

اکثریت

دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۹ برابر با ۳۰۶
۲۸ مه ۱۹۹۰ — سال هفتم شماره

نامه مشترک:

* حزب دموکرات کردستان ایران
* سازمان فدائیان خلق ایران
* سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
* حزب دموکراتیک مردم ایران

به وزرای امور خارجه دولت های ایرلند، ایتالیا و فرانسه

در صفحه ۲

نامه رفسنجانی به صدام حسین

آغاز تحولی جدید در روند مذاکرات صلح

همانطور که در شماره گذشته نشریه گزارش شد، صدام حسین رئیس جمهور عراق نامه ای را پیرامون آغاز مذاکرات صلح برای رفسنجانی ارسال داشته است که متن این نامه چنانکه در گزارشات خبری جمهوری اسلامی بیان شده مورد بحث و بررسی شورای امنیت کشور، هیئت دولت و نیز کمیسیون سیاست خارجی مجلس قرار گرفته است. همزمان با انتشار متن نامه فوق، بر پایه اظهارات پراکنده مقامات و مطبوعات دو کشور می توان نتیجه گرفت که صدام حسین بار دیگر مقامات ایرانی را به مذاکره مستقیم دعوت کرده است و ظاهراً نیز قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزیره را پذیرفته است و این امر که هدم پذیرش قرارداد فوق تا کنون یکی از موانع اصلی حل اختلافات طرفین بوده است، نشانه های امیدوارکننده ای یافت شده است که روند مذاکرات صلح بگونه ای دیگر پیش برود و این مذاکرات ازین بست خارج گردد. تحولات مجدد دیپلماتی شوروی بعد از مدتی توقف در زمینه آغاز مذاکرات صلح با ایران و عراق که با سفر رسمی ولادیمیر پتروفسکی معاون امور بین المللی وزارت خارجه شوروی جنبه آشکارتری بخود گرفت. حکایت از آن داشت که مقامات ایرانی نیز موضوعات طرح شده در نامه صدام حسین را جدی گرفته و تلاش هایی برای پاسخ با آن ها دنبال می نمایند. در همین زمینه پس از بازگشت پتروفسکی به مسکو، سخنگوی وزارت خارجه شوروی گنادی گراسیموف تصریح کرد که در نشست دیپلمات های دو کشور در تهران در باره پیشنهاد شوروی برای برگزاری نشست از وزرای امور خارجه ایران، عراق و

شوروی به بحث پرداخته اند. همزمان با انتشار این اخبار، خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول خاویر پریز دو کوئیار در یک مصاحبه مطبوعاتی در روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت اعلام کرد که روسای جمهور دو کشور مکاتباتی با یکدیگر داشته اند. وی در این مصاحبه اظهار داشت که هر دو طرف مختصراً در باره محتوی نامه هایی که به یکدیگر نوشته اند، اطلاعاتی در اختیارش گذاشته اند. از طرف دیگر طارق مزیز وزیر خارجه عراق نیز بر مبادله نامه میان روسای جمهور دو کشور تأکید نموده و گفته است: مبادله نامه میان رهبران دو کشور برای خارج ساختن گفتگوهای صلح از چارچوب کار سازمان ملل و یا قطعنامه ۵۹۸ که سند اصلی گفتگوهای مقامات دو کشور است نمی باشد. در همین زمینه نیز جولیان سینگوی دبیر کل سازمان ملل متحد از قول طارق مزیز افزوده است: عراق هم اکنون مشغول

رئیس قوه قضائیه: متهمین به "بدحجابی" خارج از نوبت محاکمه خواهند شد

پاسداران درگیری و زدو خورد به وجود آمد. مقامات امنیتی رژیم به دنبال وقوع این درگیری نیروی کمکی به محل اعزام کردند تا مردم را پراکنده کنند.

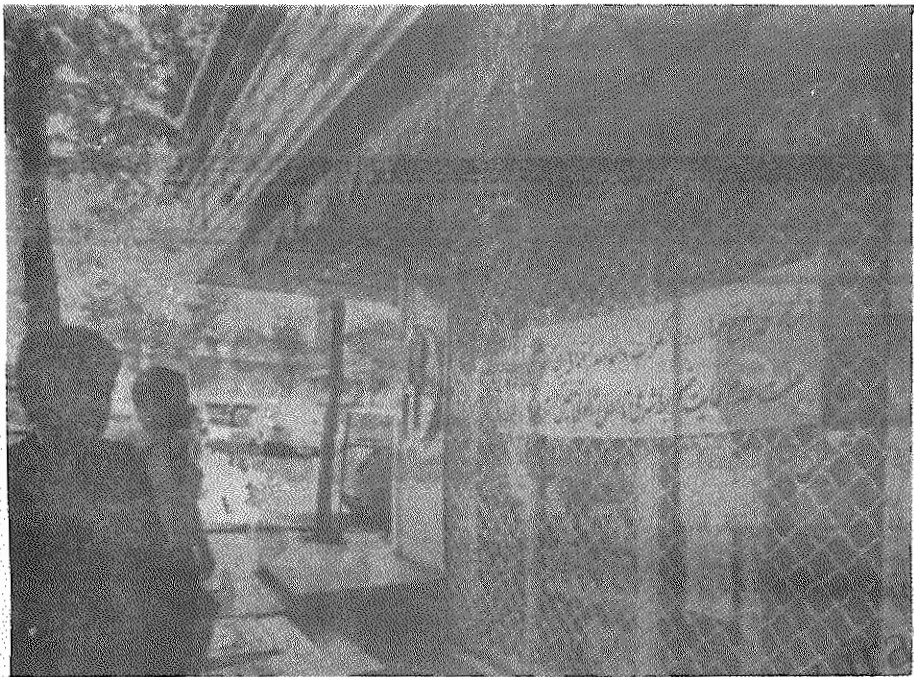
محمد یزدی رئیس قوه قضائیه در جلسه مشاور مسئولان این قوه در روز ۲۳ اردیبهشت از همه دادسراها و محاکم قضایی خواست تا خارج از نوبت به پرونده متهمین به "بدحجابی" رسیدگی کنند. وی گفت در این مورد دستور العملی به دادگاهها

داده شده است تا در زمینه مبارزه با "بدحجابی" با نیروهای انتظامی رژیم، همکاری کامل داشته باشند. یزدی افزود: "محاکم قضایی کشور با آن دسته از افرادی که با ارشاد و نصیحت قابل اصلاح نیستند و رهابت هفت همومی را نمی کنند، باید با قاطعیت برخورد کنند." نخست، مقامات رژیم اعلام کرده بودند که در مرحله اول از دور جدید مبارزه با "بدحجابی" در روزهای پنجشنبه ۲۵ و جمعه ۲۶ اردیبهشت، تنها ۲۵ نفر دستگیر شده اند. اما فردی به نام

آرایش قوا پس از یک دور دیگر از رقابت های درون حکومتی

در صفحه ۲

محمد مهدی اکبرزاده که روزنامه کیهان او را مسئول "امر به معروف و نهی از منکر" در کمیته معرفی کرده، در شماره ۲۵ اردیبهشت این روزنامه گفته است: "طی روزهای گذشته ۷۰ نفر از کسانی را که در پارک ملت با پوشیدن لباسهای مبتذل و رفتارهای زننده برای خانواده ها مزاحمت ایجاد می کردند دستگیر کردیم و به دادسرای انقلاب اسلامی تحویل دادیم." بدین ترتیب با توجه به اینکه شمار بازداشتها تنها در پارک ملت بقیه در صفحه ۵



تهران - فروشنده ای در خیابان آریقا - بر روی ویتترین آن نوشته اند: "در اجرای طرح مبارزه با منکرات بخاطر هدم رهایت ضوابط شرعی تا اطلاع ثانوی تعطیل است."

باز هم شرکت های مضاربه ای

هیچ شرکت یا موسسه ای به غیر از بانکها برای انجام عملیات مضاربه رسمیت قانونی ندارد و مسئولیت ضرر و زیان هر کس که اموال خود را به شرکت های مضاربه ای سپارد، برعهده خود او است. دادستان تهران از مطبوعات خواسته است از انتشار آگهی های شرکت های مضاربه ای خودداری کنند. وی آب پاکتی را روی دست سپرده گزارانی که بابت طلب خود از شرکت های مضاربه ای چک دریافت کرده اند ریخته و می گوید: "چک های تضمینی و مدت دار، هیچ گونه ضمانت اجرایی کیفری ندارد." اطلاعاتیه می افزاید: "به عموم شاکیان شرکت هایی که پرونده جزایی آنها مطرح است هشدار می دهد از تجمع در مراکز قضایی و انتظامی اکیدا خودداری نمایند."

اطلاعه دادستانی تهران در حالی منتشر شد که هزاران نفر از کسانی که پول خود را به شرکت هایی نظیر "سحر و الیکا" پرداخته بودند، در نتیجه هدم پرداخت بدهی های این شرکت ها بابت تکلیف مانده اند. به گزارش کیهان، در روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت صدها طلبکار شرکت "دولتخواهان" در برابر دفتر مرکزی این شرکت اجتماع کرده خواستار دریافت سپرده خود شدند. این گزارش می افزاید شرکت دولتخواهان نسبت به این خواست واکنشی نشان نداده است.

بقیه در صفحه ۳

حجت الاسلام علی یونسی دادستان عمومی تهران با انتشار دستور العملی که در مطبوعات ۲۵ اردیبهشت انتشار یافت، شرکت های موسوم به مضاربه ای را از دریافت هرگونه سپرده ای به عنوان مضاربه منع کرد. در این دستور العمل آمده است از این پس

بررسی نامه دولت ایران است. وی ضمن ابراز بی اطلاعی از نحوه انتقال نامه ها بین پایتخت های دو کشور گفت: دبیرکل از مبادله نامه ها و محتوی آن ها مطلع بود، لیکن نامه ها از طریق وی منتقل نشده است. نامبرده افزود: دبیر کل نسخه ای از دو نامه مبادله شده بین ایران و عراق را در اختیار دارد. بقیه در صفحه ۲

فلسطین اشغالی، یکپارچه در مبارزه

در صفحه ۷



نوار فزه، دوشنبه ۲۱ ماه مه: یک زن فلسطینی به بازداشت پسرش توسط نیروهای اسرائیلی اعتراض می کند

بین شما... و بین دشمنان شما (خطای ادبی را بر این رهبر با فرهنگ ببخشید؛ منظور ایشان نبرد داخلی بین امت حزب الله بر سر بنیادهای چرب و نرم از یک سو و نبرد داخلی بین صفوف مخالفان اسلام از سوی دیگر نیست، بلکه مراد، همان نبرد بین اسلام و ضد اسلام است) یعنی سردمداران جبهه استکبار و ضد اسلام و دنباله روهانشان، اراذل که در این بین بخاطر منافع شخصی و هواهای نفسانی دنبال بوق استکبار و خردجال استکبار راه افتاده اند... کم هم نیستند قلم به مزدها، و فرهنگی های این دول و وجدان باخته و نشسته پای بساط فساد استکبار چه در خارج کشور غالباً و چه تک و توک در داخل کشور که برای مقاصد استکباری قلم هم بردارند و شعر هم بگویند. (نقل قول ها از کیهان ۱۳ اردیبهشت)

بعد از این درس فرهنگ و ادب از رهبر فرهیخته جهان اسلام، نگاهی به تراوش های قلمی شاگردان مکتب خمینی و خامنه ای و کارشناسان دشنام های چارواداری که روزنامه های دولتی در تیول آنهاست، خالی از بقیه در صفحه ۳

اخیراً خامنه ای که علاوه بر نقاهت و ولایت مفت به چنگ آمده اش، ادعای "فرهنگی" و هنردوست بودن هم دارد، در یک سخنرانی گفت که از نظر او، هر صده اصلی مبارزه جمهوری اسلامی با دشمنانش، هر صده فرهنگی است: "جنگ نظامی تمام شد... یک کارزار فرهنگی و سیاسی آلان در جهان است... کار فرهنگی را، هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی شود جواب داد."

البته بماند که این حرفها از دهان رهبر رژیمی بیرون می آید که انسانهای شریف را تنها به چرم اندیشیدن و گفتن و نوشتن، آماج گلوله ها و آونگ دارها کرد، نویسنده ای را از فاصله هزاران کیلومتری به خاطر یک کتاب تهدید به قتل می کند و قس علیهذا. اما به هر حال، ولایت فقیه می گوید که می خواهد در کارزار فرهنگی، "مقابله به مثل" کند و ادعایش این است که به جای تفنگ، به قلم رضایت داده است. از این دروغ شاخدار که بگذریم، بد نیست ببینیم خامنه ای چگونه سخنی را به عنوان سلاح، به پیروانش توصیه می کند: "یک صحنه تیردی است آلان"

آرایش قوا پس از یک دور دیگر از رقابت‌های درون حکومتی

خودکند.

رفسنجانی که معاونش شاید به اشاره خود او مقاله جنجال برانگیز "مذاکره مستقیم" را در روزنامه اطلاعات نوشت، بار دیگر دریافت که به این زودی‌ها نخواهد توانست مشی مطلوب خود را در سیاست خارجی پیش برد. بعد از این عقب‌نشینی تمحیلی، قابل انتظار است که چشم امید رفسنجانی و وزارت خارجه‌اش به تلاش‌های جاری برای پیشرفت مذاکرات صلح با عراق باشد. اگر عراق واقعا حاضر به پذیرش قرارداد الجزیره باشد، و این امر بتواند گشایشی در امر صلح پدید آورد، دیپلماسی جمهوری اسلامی که تحت رهبری رفسنجانی است، به موفقیت بزرگی دست می‌یابد که زمینه‌ساز گام‌های بعدی دولت رفسنجانی در عرصه سیاست خارجی خواهد شد. اما گزارش‌ها، تردیدآمیزتر و مشکلات بزرگ‌تر از آنند که بتوان از هم اکنون در این مورد به پیش‌بینی معینی رسید.

در سیاست داخلی، رفسنجانی و دولت‌ش در همه عرصه‌ها دچار بن‌بست شده‌اند. سیاست‌های اقتصادی جدید بی‌نتیجه مانده‌اند. قیمت ارز به بالاترین حد خود پس از جنگ رسیده است. افسانه انعطاف‌پذیر شدن جمهوری اسلامی در مسائل اجتماعی با دور جدید یورش برای تحمیل حجاب، چون حجاب ترکیده است. به نظر می‌رسد بدون تغییر عمده در مناسبات خارجی جمهوری اسلامی و حل قطعی مسئله صلح، هیچ‌گونه موفقیت‌پذیر اقتصادی تحقق‌پذیر نباشد. از سوی دیگر، تا چنین موفقیت‌هایی حاصل نشود، رفسنجانی از اقتدار لازم برای قبولاندن انعطاف‌های لازم در سیاست خارجی به مجموعه حاکمیت، برخوردار نیست. معلوم نیست این سلسله زنجیر دایره‌وار هلت‌ها و معلول‌ها، چه زمانی و به سود چه کسی گسسته شود.

خامنه‌ای به تقلید از خمینی می‌خواهد نقش عنصر ایجادکننده تعادل را در درون حکومت ایفا کند. اما به همان نسبت که از خمینی بی‌نفوذر و بی‌اعتبارتر است، در اجرای این نقش ناموفق‌تر خواهد بود. در زمان حیات خمینی، اگر جناح معینی می‌توانست نظر مساعد "رهبر" را نسبت به اقدامی جلب کند، آن اقدام هر چند هم که به دیگران گران می‌آمد، شدنی بود. اگر خمینی زودتر از پایان جنگ

دور دیگری از مبارزات گروه‌بندی‌های درون حکومتی به پایان رسید. این دور باشدیدترین حملات جناح‌های متخاصم به یکدیگر از هنگام "رهبر" شدن خامنه‌ای و رئیس‌جمهور شدن رفسنجانی همراه بود. اختلافات حول دو موضوع آشکار شد: ۱- چگونگی پیشبرد سیاست خارجی و مذاکرات با غرب، و ۲- افشای‌های متقابل در باره رسوایی‌های اقتصادی و مالی وابستگان به گروه‌های رقیب. هر چند صف‌بندی‌ها در رابطه با این دو موضوع متفاوت بود، اما کشمکش‌ها در این دو عرصه بی‌ارتباط با هم نبود.

جناح خط‌امامی‌های افراطی به سرکردگی محتشمی و کروی، در هر دو مبارزه شرکت فعال داشت. هم در حمله به مواضع مهاجرانی معاون رفسنجانی و برخی مقامات وزارت خارجه مانند لاریجانی و یشارتی که کم و بیش صریح خواستار مذاکرات مستقیم با آمریکا و نشان دادن انعطاف برای حل معضلات خارجی رژیم شده بودند، و هم در مقابله با جناح رسالت که میاهوی خط‌امامی‌ها در باره ضرورت مبارزه با "تروریسم اقتصادی" را با یک سلسله افشای‌گری در باره بنیادهای فربه وابسته به نمایندگان افراطی مجلس (هادی ففاری، هبسی ولایی و سایرین) پاسخ داد. خط‌امامی‌ها در هر دو عرصه، لاقط از حیث ظاهری موفق بودند: خامنه‌ای و رفسنجانی ناچار به موضع‌گیری علیه رابطه و مذاکره با آمریکا شدند و رسالت در برابر قطعنامه ۱۴۰ نماینده مجلس علیه سلسله مقالاتش، با لحن ملایمی خواستار ترک مخاصمه گردید.

جناح رسالت رسالت کوشید در کشمکش مربوط به سیاست خارجی، پای خود را از مهرکه بیرون بکشد. نهادهای این جناح مانند جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بدون انتقاد از طرفداران مذاکره مستقیم با آمریکا، پیروی خود را از گفته‌های خامنه‌ای اعلام، و بر آن بخش از سخنان او که تلویحا متوجه دفاع از معاون رفسنجانی در برابر حملات خردکننده خط‌امامی‌ها بود، تاکید کردند. افشای رسوایی‌های مالی رتبا که رسالت پای ثابت آن است، قطعا در آینده نیز ادامه خواهد یافت. در این مرحله، رسالت نتوانسته است موفقیت چشمگیری از آن

کمک‌های مالی رسیده

از کانادا

با کد کمک به جنبش کردستان از تورنتو	۴۰۰ دلار
"تقدیم به خانواده زندانیان سیاسی" از تورنتو	۳۳۰ دلار
آرش - روزه از ادمونتون	۱۵۰ دلار
تقدیم به خانواده زندانیان سیاسی از تورنتو	۲۱۲ دلار

از بلژیک

بیاد مبارز شهید عبدالرحمان قاسملو	۶۰۰ فرانک بلژیک
بیاد فدائی شهید اسداله پژمان	۵۰۰ فرانک بلژیک
بیاد فدائی شهید اسداله پژمان	۸۰۰ فرانک بلژیک
بیاد فدائی شهید اسداله پژمان	۱۰۰۰ فرانک بلژیک
علیرضا - بروکسل	۳۵۰ فرانک بلژیک
م - سرو	۵۰۰ فرانک بلژیک
کمک به واحدهای فدائی داخل کشور	۱۴۲۵ فرانک بلژیک

با جمع‌آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف خودیاری دهید!

می‌مرد، معلوم نبود جانشین او بتواند جام زهر را بنوشد. در مورد سایر معضلات هم چنین است. هم او و هم خط‌امامی‌های دواآتشه، این نکته را بخوبی دریافته‌اند. اکنون سخنان خامنه‌ای به تکرار ساده موضوعی‌های خمینی تبدیل شده‌اند. با این تفاوت که در مقاطعی، خمینی تصمیمات تعیین‌کننده برای تغییر سیاست‌ها می‌گرفت، و خامنه‌ای توان این کار را لاقط تا به حال نداشته است.

دور اخیر رقابت‌ها، به تثبیت گروه‌بندی‌های عمده موجود درون حکومت کمک کرده است.

نامه رفسنجانی به صدام حسین

آغاز تحولی جدید در روند مذاکرات صلح

دولت عراق دو کشور در این کنفرانس می‌بایست بطور مستقیم و بدون مشارکت سازمان ملل متحد در باره خطوط مرزی میان دو کشور در اروندرود به‌گونه‌ای که در قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر مشخص شده گفتگو کنند. در این کنفرانس همچنین می‌بایست مسئله مبادله اسرا و نیز مسئله بازگشتی مرزها بر روی زائران دو کشور مورد بررسی قرار گیرد.

انتشار خبر اسرار سال نامه از سوی مقامات ایرانی به صدام با توجه به اظهارات منابع مختلف پیرامون موضوع آن باز هم خوشبینی در آغاز مجدد مذاکرات صلح و پیشرفت آن بگونه‌ای که به شرایط نه جنگ و نه صلح موجود پایان دهد را افزایش می‌دهد. اظهارات اخیر وزیر امور خارجه عراق در ملاقات با خاویز پرز دوکوئیار در رم باز هم به آن خوشبینی دامن می‌زند. وی اعلام کرد که مذاکرات صلح در آینده نزدیکی از سر گرفته خواهد شد. نامبرده ضمن حمایت از تلاش‌های صلح همچنین نسبت به روند مذاکرات صلح ابراز خرسندی کرده است.

تشکیل سمینار معاونین سیاسی - امنیتی استاندارها برای چاره‌جویی

پیش‌مجلس دخالت مسئولین امر منجر به درگیری‌های شدیدی میان جناح‌های مختلف حکومتی جهت افشای اعمال نفوذ هر یک از باند‌های حاکم برای برگزیده شدن نمایندگان در مجلس گردید. بهمین دلیل وی در این سمینار از پیش‌بنام مجری و سخنگوی یک جناح در مقابله با جناح "تندرو" اعلام اتمام حجت کرد و گفت: "ما مجری امر انتخابات هستیم و به هیچ عنوان به ما مربوط نیست که چه کسی به مجلس راه پیدا می‌کند و هر کسی که صلاحیتش توسط شورای نگهبان تایید شود، صلاحیت شرکت در انتخابات را دارد."

وی سپس خطاب به سایر دست‌اندرکاران انتخابات افزود: "توصیه می‌کنم که آنها هم در امر انتخابات اعمال نظر نکنند و اجازه بدهند انتخابات با سلامت کامل برگزار شود." سمینار اخیر به مدت سه روز در چهار کمیسیون اصلی یعنی کمیسیون‌های سیاسی، انتظامی - امنیتی، اجتماعی و مرزی بکار خود ادامه داده است. مهمترین موضوع مورد بحث در کمیسیون سیاسی، پیرامون احزاب سیاسی و تشکلهای صنفی

نامه مشترک:

* حزب دموکرات کردستان ایران * سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

* سازمان فدائیان خلق ایران * حزب دموکراتیک مردم ایران

به وزرای امور خارجه دولت‌های ایرلند و ایتالیا و فرانسه

هالی جناب!

طبق گزارش خبرگزاری فرانسه، قرار است چهارشنبه ۱۶ ماه مه، مذاکراتی بین دولت ایران و نمایندگان شما، بنابه درخواست آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه ایران صورت بگیرد. دستور روز بهیود روابط دولت ایران با بازار مشترک و نیز آزادی گروگان‌های کشورهای غربی در لبنان و لغو فتوای قتل نویسنده انگلیسی، سلمان رشدی است.

نمایندگان احزاب و سازمان‌های امضاکننده این نامه، یادآوری این نکته را ضروری می‌دانند که اگر دولت ایران در جستجوی بهیود روابط خود با بازار مشترک و سایر دولت‌های ثروتمند جهان است، اساسا به مناسبت تغییرات واقعی در سیاست‌های گذشته و اتخاذ روش اعتدال و احترام به حقوق بشر و حقوق بین‌المللی و رعایت حکومت قانون نیست. محافل حاکمه ایران، تلاش برای بهیود روابط با کشورهای بازار مشترک را برای مقابله با مشکلات مالی و اقتصادی روز افزونی لازم دارند که در اثر ادامه بهیوده جنگ ۸ ساله با عراق بوجود آمده و با اتخاذ سیاست سرکوب و اختناق، موجب فرار سرمایه‌ها و ده‌ها هزار متخصص و کادر کشور گردیده است.

توجه شما را به این نکته جلب می‌کنیم که رژیم حاکم ایران، همچنان بعد از مرگ خمینی به ترور سیاسی در داخل و ترور ریس بین‌المللی ادامه می‌دهد و شاهد آن ترورهای بی‌سابقه رهبران احزاب و سازمان‌های سیاسی مخالف رژیم در خارج از کشور است که بیش از ده نفر از رهبران اپوزیسیون را در برمی‌گیرد. ترور دکتر قاسملو دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران در یکسال پیش و ترور اخیر کاظم رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت در سازمان ملل متحد، شاهد آنست.

گزارش آقای گالیندو پول نماینده ویژه سازمان ملل حاوی داده‌های فراوانی از نقض حقوق بشر، شکنجه در زندان‌ها، نبود آزادی‌های سیاسی در ایران است.

ما، سازمان‌ها و احزاب امضاکننده این نامه، از آزادی گروگان‌ها در لبنان و لغو فتوای قتل سلمان رشدی، قاطعانه پشتیبانی می‌کنیم و آرزوی تحقق آنها را داریم. در همین حال تاکید داریم مادام که تغییر و تحولات سیاسی در ایران برقرار نشود، و به رژیم استبدادی کنونی پایان داده نشود، مردم ایران و دولت‌های منطقه و جهان از تحریکات تروریستی و بنیادگرایی اسلامی دولت جمهوری اسلامی، مصون نخواهند ماند.

ما از شما و از طریق شما از همه کشورهای عضو بازار مشترک انتظار داریم، بخاطر یکی دو ژست حساب شده دولت ایران و یا بخاطر چند معامله اقتصادی، به استمرار و تثبیت رژیم خونخوار جمهوری اسلامی یاری نرسانند و در هر اقدامی در رابطه با دولت ایران، بر ضرورت رعایت حقوق بشر و استقرار دموکراسی در ایران تاکید ورزیده و خواستار اقدامات مشخص دولت ایران باشند.

با احترامات فائحه

پاریس ۱۲ مه ۱۹۹۰

ملاقات نمایندگان وزارت خارجه ایران با نمایندگان بازار مشترک اروپا

ایرانی در مذاکرات با نمایندگان بازار مشترک اروپا اشاره داشته است. او در همین مصاحبه تاجار شده که به مشکلات سیاسی موجود میان طرفین اعتراف کند و بگوید: بعضی از مشکلات موجود سیاسی فیما بین به علت عدم درک صحیح بازار مشترک از اثرات منفی توهین نویسنده مرتد کتاب موهن آتاسیطانی به اسلام ناشی شده است.

در همین مصاحبه همچنین آشکار شد که موضوع گروگان‌ها در لبنان و دخالت جمهوری اسلامی در این قضیه یکی از موارد اختلافات و موضوعات مورد بحث بوده است که مانع از دستیابی رژیم به نتایج مثبت در این مذاکرات شده است.

نامبرده دلایل تشکیل اجلاس فوق را تغییرات پس از بحران سال ۶۷ در مناسبات میان کشورهای بازار مشترک و ایران دانست.

وی گفت: کشورهای عضو بازار با بازگرداندن سفرهای خود به گسترش رابطه با ایران تاکید کردند و چون ایران نیز بر گسترش رابطه علاقه‌مند بود، برگزاری اجلاس دواولین تدارک دیده شد.

امنیتی طرح جدید شورای امنیت و لایحه اقدام نیروهای انتظامی بررسی گردید. مسائل باصطلاح منکرات، بی‌بندوباری و بدحجابی و نحوه برخورد با آن‌ها و مسائل و مشکلات جوانان از موضوعات طرح شده در کمیسیون اجتماعی اعلام شد.

موسویان وزیر امور خارجه اروپای غربی وزارت خارجه رژیم که در راس یک هیات از مقامات دولتی برای انجام مذاکراتی با نمایندگان بازار مشترک اروپا به دواولین سفر کرد. او در پایان این مذاکرات، در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت نمود و به توضیح نتایج سفر هیات و مذاکرات آنان با نمایندگان بازار مشترک پرداخت.

موسویان در این مصاحبه حجم مبادلات تجاری و اقتصادی ایران با بازار مشترک را رو به افزایش توصیف کرد. وی در این مصاحبه علیرغم مثبت و سازنده خواندن مذاکرات هیات نمایندگی ایران با نمایندگان هالیبرته بازار مشترک اروپا با بیان سخنان دوپهل و متعارف همیشگی نمایندگان رژیم سعی در پنهان داشتن نتایج واقعی سفر هیات ایرانی داشت.

وی با بیان این موضوع که ایران قادر به تامین تکنولوژی مورد نیاز خود می‌باشد و در این زمینه با هیچ مشکلی مواجه نیست ظاهرا به شکست تلاش‌های هیات

و مسائل و مشکلات کارگری، اعتراضات و نحوه برخورد با آن‌ها بوده است. مورد اخیر خصوصاً پس از درگیری‌های چند ماهه گذشته در شهرهای مختلف کشور و اعتصابات پراکنده کارگری اهمیت ویژه داشته است. در کمیسیون انتظامی -

کارزار فرهنگی به سبک جمهوری اسلامی

بتیّه از صفحه اول

لطف نیست. ناگفته نماند که اگر برخی درفشانی‌های قلم به داستان حزب‌اللهی را نقل می‌کنیم، صرفاً به خاطر این واقعیت تلخ است که امثال این حضرات، امروز بر میهن بلاکشیده ما فرمان می‌رانند و باید آنها را جدی گرفت، وگرنه این فحاشی‌ها ربطی به فرهنگ ندارد و صفحات هر نشریه‌ای را آلوده می‌کند.

فعلاً وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بخشی از وظایفش را به ژورنالیست‌های حزب‌اللهی واگذار کرده است تا آنچه از کار فرهنگی امروز را که کم و بیش از زیر تیغ سانسور جان سالم یا نیمه سالم به در می‌برد و با قلبه بر کوهی از مشکلاتی مانند کمبود کافه، در نشریات داخل کشور چاپ می‌شود، به زیر حملات "فرهنگی" بگیرند. این آقایان مکتبی از رهبران دستور دارند با نظایر شاملو و دولت‌آبادی و گلشیری، "مقابله به مثل" کنند. در این کارزار، یکی از برادرانی که قلم او از توپ و تفنگ هم آتشین‌تر است، ظاهر ایوسفعلی میرشکاک نام دارد. در صفحه "اندیشه‌ها" بی‌کیهان می‌نویسد و خودش می‌گوید که مخالفان، به او میرشکاک و میرسفاک لقب داده‌اند. در روزنامه ۱۶ اسفند ۶۸، مقاله‌ای بلند بالا علیه قلم‌هایی بسیار مترجم دارد. سیار در شماره پاییز ۶۸ دنیای سخن، در گفتگویی از انکار جلال آل‌احمد انتقاد کرده بود و به همین جرم، توسط مقاله‌نویس مکتبی کیهان، "سلطنت طلب چرخ نکره پر چرب" نامیده شد. میرشکاک با هر کس دیگری که این نام را بر گزیده، در توضیح می‌نویسد:

"به سوپرهای لیبیاتی اگر رفته باشید دیده‌ای که پر و پاگاند کرده‌اند به نستعلیق، شیر چرخ نکره - ماست پر چرب. فتل! امثال شاملو سلطنت طلب چرخ کرده‌اند و کم چرب. چرا که مشتاقان باز شده است و اینجا که تازه براه افتاده‌اند و یا به تیرنه هویدا مشغولند یا به دریوزه نوبل اروپاگردی می‌کنند. همین امروز توزیع شده‌اند، تاریخ هم دارند. هکس یک گاو هلندی هم روی شیشه است."

از این گونه سخنان گهربار در مقاله فراوان است. در همان جمله اول، میرشکاک گفته‌های سیار را "آروغ‌های روشنفکرانه" می‌نامد و خود مترجم را "پتیاره سیاسی فرهنگی" سپس نویسنده حزب‌اللهی، محمود دولت‌آبادی را که در سال گذشته سفری به هلند برای ایراد سخنرانی در آکادمی سلطنتی آن کشور داشت، خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: هلند می‌روید چه کنید؟ نمایندگان تمام آکادمی‌های سلطنتی در همین تهران به شما خوشامد می‌گویند. کافی نیست که در موزه نوبل در اروپا از درباری به دربار دیگر پورتمه بروید. دست همین دکتر سیار را ماج کنید... شما را مستقیماً به دکتر یارشاطر می‌سپارد و یارشاطر هم شما را بار قاطر سلطنت خواهد کرد و تحویل رضا پهلوی خواهد داد. "میرشکاک مدعی است دولت‌آبادی با نطق "انسان سوم" خود در هلند، حیثیت ملی خود را بر باد داده. مقاله نویسنده کیهان که گویی لیستی از

جایی گرفته و می‌خواهد تند و تند همه نویسندگان و شعرا این لیست را به صلابه بکشد، احمد شاملو و پرویز ناتل خانلری را هم بی‌نصیب نمی‌گذارد. سپس چند پاراگراف فحش به سیار می‌آید که قلم از تکرار آن شرم دارد... هوشنگ گلشیری همه به "خیانت" متهم می‌شود و سیمین دانشور هم به جرم "تنها گذاشتن جلال" سهم خود را می‌گیرد.

نمونه دیگر، مقالات مندرج در صفحه "فرهنگ و اجتماع" روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۱۸ فروردین ۱۳۶۹ است.

از قول یک خواننده حزب‌اللهی، "رنج‌نامه" سوزناکی چاپ شده که در آن، نویسنده از "قریب‌ماندن" امت شهیدپرور در جامعه‌ای که الگوی آن "اوشین" است می‌گوید و می‌افزاید: "بعضی دخترهای مدرسه‌ای، نمی‌دانم از کدام پدر سوخته‌ای یاد گرفته‌اند که برای عقب نماندن از قافله اجتماع مختصری هم شده زلف "اجغ و جغ" شان را از مقنعه "آخرین مد" بیرون بگذارند." در ادامه آمده است:

"به سازی از استاد... گوش می‌دهم. آهنگساز، استاد... خواننده، استاد... تنظیم از استاد... استاد... جای استاد مطهری‌ها و استاد محمدتقی جعفری‌ها خالی‌تر از گذشته است. آیا کسی به فکر نیست؟"

بعد، حزب‌اللهی فمگین ناگاه به وجد می‌آید و خطاب به برادران خود می‌گوید:

"گرچه کمتر از گذشته به فکرند اما تا شما هستی که نه تقلید و نه ضعف، به حول و قوه الهی پیروزید و دندان ابتال می‌شکنید، که مشت شما پیش‌تر از اینها، دندانهای زیادی شکسته (چه سخن درستی!) و بازوی شما پوزه‌های زیادی را به خاک مالیده است. گوش‌تان بدهکاز حرف‌های مصلحتجویانه نباشد. حکم خدا که نقض شد سیلی آبدار را آماده کنید و هر چه می‌توانید محکم‌تر بزنید."

در کنار این دعوت رزمجویانه، یادداشتی تحت عنوان "ویار دمکراسی" علیه ماهنامه آدینه و سلسله مقالات آن درباره نیکاراگوئه آمده است. به زعم نویسنده، انگیزه شخصیت‌هایی که در آدینه پیرامون انتخابات نیکاراگوئه اظهار نظر کرده‌اند، چنین است:

"از میان ۳۷ انقلابی که از زمان انقلاب فرانسه تا کنون رخ داده تنها در یک انقلاب، وزارت ارشادی وجود داشته که برای مزدوران هم تسهیلات چاپ دشنام و توهین به انقلاب فراهم کرده است... حالا توفشان بالاتر رفته و هوس میوه دمکراسی آنهم به سبک آمریکایی کرده‌اند... ویار، ویار، است. چه میوه ترش و شیرین، چه میوه دمکراسی!!"

در شماره‌های ۱۱، ۱۶ و ۱۷ اردیبهشت کیهان، سلسله آموزش‌های ادب و فرهنگ به قلم "سرباز گمنام" حزب‌الله در هر صه فرهنگی که میرشکاک نام دارد، ادامه می‌یابد. این برادر تنها از خواندن یک شماره دنیای سخن (شماره ۲۹ - پاییز ۶۸) آتچنان به خشم آمده که چهار صفحه کیهان را تا به حال سیاه کرده و حداقل سه ماه از وقت گرانماییش را به دادن

انعقاد قرارداد ۴ میلیارد دلاری میان ایران و اتریش

طریق دریافت اعتبار و تامین مالی از بانک‌های اتریش منابع ارزی لازم برای اجرای پروژه‌های پیش‌بینی‌شده در برنامه پنج‌ساله راه‌تیمه‌نایند.

لازم به یادآوری است که مناسبات اقتصادی دو کشور بعد از ترو در دکتربالرحمان قاسملو توسط عوامل جمهوری اسلامی در وین ابهاده گسترده‌ای یافته است. ظاهراً گسترش مناسبات اقتصادی از سوی جمهوری اسلامی بی‌ارتباط با سکوت مقامات امنیتی و دولتی کشور اتریش در قبال این جنایت عوامل حکومت اسلامی نبوده است.

در پی سفر یک هیئت بلندپایه اقتصادی متشکل از نمایندگان از وزارت خانه‌های نفت، معادن و فلزات، بازرگانی، پست و تلگراف و تلفن و کشاورزی به سرپرستی نعمت‌زاده وزیر صنایع حکومت اسلامی به اتریش جهت شرکت در اولین اجلاس کمیسیون اقتصادی این دو کشور، طرفین یک قرارداد همکاری در بخش‌های مختلف صنعتی، تجاری، علمی و فنی به حجم ۴ میلیارد دلار منعقد نمودند.

یادداشت تفاهم میان دو کشور در محل وزارت امور اقتصادی اتریش توسط نعمت‌زاده

طرح قانونی مجازات "محترفین و متصرفین" آثار خمینی

و جعل نظریات خمینی دانستند به مجلس بردند. در ادامه این کارزار مجلس آخوندی در جلسه هفتم روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت پیرامون طرح فوق به شور و مشورت نشست و دو ماده از "طرح قانونی نحوه حفظ آثار و یاد حضرت امام خمینی" را به تصویب رساند. مطابق ماده یک مصوب "هر کس در آثار مکتوب یا

در پی درگیری‌های جناح‌های مختلف حکومتی و استفاده رسالتی‌ها از نظریات خمینی برای طرح عقاید خود، جناح مخالف نیز با انتشار یک نامه خواستار دخالت احمد خمینی برای جلوگیری از "مسخ اندیشه‌ها و مواضع امام" شد. جناح "تندرو" همچنین طرحی قانونی را برای محدود کردن جناح مخالف جهت جلوگیری از آنچه که آن را تحریف

برادر حزب‌اللهی قلم به دست، می‌گوید امثال دولت‌آبادی، نباید در مسائل اجتماعی دخالت کنند: "رمان و داستان، هر صه تخیل است و نه تفکر". لایب این نقدنویس چیره دست، "کلیدر" را همانگونه خوانده که زمانی داستان امیر ارسلان و کتابهای "مایک هاجر" را می‌خوانده است، چون معتقد است در مسائل مربوط به انسان، "از سرگرمی‌آفرینان (اهل اشتغال به تخیل) کاری ساخته نیست" و می‌افزاید:

"بنده تا کنون به استثنای تولستوی و داستایوفسکی (منظورش داستایوفسکی است) و حدودی سارتر و کامو در میان رمان‌نویسان اهل تفکر ندیده‌ام و بسا که... این دو تن و حتی آن دو تن نیز اهل تفکر نباشند." آری، تفکر یعنی قلمفرسایی در باب شکایت و احکام طهارت، نویسنده هم یعنی کسی که برای پرکردن ساعات فراغت، متل می‌نویسد.

میرشکاک، پس از سه شماره فحاشی به دولت‌آبادی و وارد آوردن این اتهام به او که در برابر شرب "احساس حقارت" می‌کند، می‌نویسد:

"فرب گاوی است فربه و ما شیرانی گرسنه، هنگامی که جوامع از لوث وجود امثال سلیمان رشدی و تو و شاملو الخ پاک شوند... خواهی دید که این گاو در هم شکسته خواهد شد."

مطالعه فرمایش‌های حزب‌اللهی‌ها، حداقل این فایده را دارد که به مصداق "پوختن ادب از بی‌ادبان" در بابیم که باید فرهنگ ایران فردا را، با عناصری بسازیم که از هر گونه شباهت و نزدیکی به آثار این چماقداران قلمی میرا باشد.

فردا را از امروز آغاز کنیم.

باز هم شرکت‌های مضارب‌های

زمینه واقعی برای دو برابر کردن سرمایه ظرف دو سال وجود داشته و دارد. صاحبان شرکت‌های مضارب‌های، اکثرًا نوکیسه‌هایی هستند که از این زمینه واقعی برای فربه شدن ظرف کوتاه‌ترین مدت، استفاده کرده‌اند. آنها توانسته‌اند میلیاردها تومان نقدینگی بخش خصوصی را که بر اثر چاپ بی‌پشتوانه اسکناس (تحت عنوان "استقراض دولت از سیستم بانکی") و تأمین مخارج جنگ از این طریق ایجاد شده است، در دست خود متمرکز کنند. مسئولیت نابسامانی اوضاع اقتصادی و گل‌آلود کردن آبی که "تجار محترم" و بنده‌بازانی مانند صاحبان شرکت‌های مضارب‌های از آن ماهی می‌گیرند، در وهله اول برعهده رژیم جمهوری اسلامی است. این رژیم است که ارزش کار شرافتمندانه و مولد را آتچنان کاهش داده که حقوق یک کارگر متخصص از سود مبلغی معادل قیمت یک اتومبیل به مراتب کمتر است. این رژیم است که سالها دست همین مضارب‌های را در خرید و فروش بورس‌بازی و سایر طرق کسب سود باز گذاشته و اکنون سپرده‌گذاران خرده‌پارا به امان خدایان می‌کند.

سال پیش برمی‌گردد. با یک حساب سرانگشتی معلوم می‌شود که هر شرکت مضارب‌های تقریباً ظرف دو سال معادل اصل سرمایه سود می‌پرورداخته‌اند و بنا بر این، حساب آقای دادستان جور در نمی‌آید. مطبوعات خط امامی و مقامات حکومتی که درباره شرکت‌های مضارب‌های سرو صدا کرده‌اند، فعالیت این شرکت‌ها را نوهی کلاهبرداری وانمود می‌کنند که گویا هدف مبتکران آن، جمع کردن پول این و آن و سپس گریختن و حیف و میل اموال بوده است. در تبلیغات مخالفان درون حکومتی شرکت‌های مضارب‌های، حتی اشاره‌هایی هم به این نمی‌شود که کار این شرکت‌ها با هیچ مورد از قوانین شرع مغایرت نداشته است.

شرکت‌های مضارب‌های در طول چند سال این سودهای کلان را به سپرده‌گذاران خود پرداخته‌اند و بیهوده نبود که "جنبش مضارب" تا این حد فراگیر شد و حتی - به نوشته مطبوعات - دانشجویانی را در برگرفت که با گذاشتن ۲۰۰ - ۳۰۰ هزار تومان ارب یا کمک پدرب به مضارب، مخارج خود را تا حد بخور و نمیر تامین می‌کردند.



تهران - ۲۵ اردیبهشت - طلبکاران شرکت مضارب‌های دولتی و خواهان برای دریافت سپرده‌های خود در برابر دفتر این شرکت اجتماع کرده‌اند

پاسخی تند و تیز اختصاص داده است. همه استادها و نقل قول‌هایش از همین یک شماره دنیای سخن است که علاوه بر گفتگو با قلم‌هایی سیار، سخنرانی "انسان سوم" دولت‌آبادی و مصاحبه با گلشیری نیز در همان چاپ شد.

مقالات سه‌گانه اردیبهشت ماه، علیه محمود دولت‌آبادی است. کلیشه‌ای که برادر میرشکاک در متن مقاله‌اش چاپ کرده است، نشان می‌دهد که حزب‌اللهی با فرهنگ ما، سرش به جایی بنداست که به اسناد ساواک دسترسی دارد. (کلیشه مزبور، گویا نامه‌ای است که دولت‌آبادی در سال ۵۴ از زندان قصر به فرج پهلوی نوشته و خواستار آزادی خود شده است.)

یوسفعلی میرشکاک مقالات خود را با مقدمه‌ای که لایب خودش در هنگام نوشتن آن گمان می‌کرده شاهکار است، شروع می‌کند و خطاب به نویسندگان و شعرا می‌گوید:

"پایان کار شما و فرو ریختن دیوارهای دوران شما، دوران تجدید طلبی و اصالت انسان، نزدیک‌تر از مرگ من است." مقاله نویسنده حزب‌اللهی، با اصالت انسان مخالف است. خوب است لااقل خودش هم می‌گوید، بعد ادامه می‌دهد:

"شما و روشنفکرانی که برویتان آفوش گشوده‌اند و فلسفه‌دریانی که اسلام را به نفع "جامعه باز" مصادره می‌کنند، همدستان شرکت‌های مضارب‌های هستید. سرمایه‌وران، نان مردم را می‌دزدند و شما ایمان آنان را." این هم یک مورد دیگر برای شکرگزاری، چون بالاخره فهمیدیم برای امت شهیدپرور، ایمان هم سرمایه‌ای است که می‌توان به مضارب گذاشت!

بتیّه از صفحه اول

گزارش دیگری در کیهان ۲۶ اردیبهشت حاکی است هلیرفم اطلاعاتی دادستانی، شرکت مضارب‌های "هاصی" به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این شرکت نیز از بازپرداخت بدهی‌های خود سر باز زده است. سپرده‌گذاران شرکت "وجین" نیز در پس گرفتن مطالبات خود ناموفق مانده‌اند.

همه شواهد حاکی از آن است که بخش بزرگی از مطالبات سپرده‌گذاران شرکت‌های مضارب‌های دیگر هرگز پرداخت نخواهد شد و اکثریت کسانی که پول خود را به این شرکت‌ها داده‌اند، متضرر می‌شوند.

دادستان تهران مدعی است که شرکت‌های مضارب‌های سود سپرده‌گذاران را از طریق کار تجاری تامین نمی‌کرده‌اند، بلکه پرداخت سود از اصل سرمایه‌ها بوده است. گویا آقای دادستان چهار عمل اصلی را نمی‌داند. به گفته خود او، این شرکت‌ها ماهیانه ۱۳ الی ۴ درصد، یعنی سالی ۳۶ الی ۴۸ درصد سود می‌پرداخته‌اند. با توجه به آنکه سابقه شروع فعالیت‌های مضارب‌های و گسترش آن به چند

خبرها و نظرها

فراخوان نامه مردم

نشریه نامه مردم در چند شماره اخیر خود، نیروهای آزادیخواه کشور را به مبارزه برای نجات جان نورالدین کیانوری و مریم فیروز فراخوانده است. در این فراخوان نوشته شده است:

«هم میهنان! آزادیخواهان! برای نجات جان نورالدین کیانوری و مریم فیروز دست یاری بسوی شمار از می کنیم. جان رفقا نورالدین کیانوری و مریم فیروز در معرض خطر جدی است. این دو زندانی سیاسی از فروردین ماه سال جاری ممنوع الملاقات شده اند. ما از شما می طلبیم برای نجات جان این دو شخصیت سیاسی و اجتماعی که سراسر زندگی خود را ندادگانه صرف پیکار در امر زحمتکشانه کرده اند و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی بانگ اعتراض خود را ستر سازید.

نامه سرگشاده جمعی، به ریاست جمهوری

تدارک تشکیل کنگره فوق العاده

هیات اجرایی کمیته مرکزی سازمان فدائی با صدور اطلاعیه ای تصمیم خود مبنی بر برگزاری کنگره فوق العاده سازمان و آغاز تدارک این اجلاس را اعلام کرد. مطابق این اطلاعیه، موضوعات در دستور این اجلاس عبارت خواهند بود از:

— ارائه گزارش کمیته مرکزی از اوضاع عمومی سازمان پس از انشعاب

— بررسی و تصویب گزارش سیاسی کمیته مرکزی از اوضاع سیاسی جامعه

— جمع بندی نهائی مباحث مربوط به سیاست های ائتلافی و اتحاد عمل های مبارزاتی در جنبش کمونیستی ایران

— تکمیل اساسنامه سازمان (برخورد نهائی به پیشنهادات رسیده به دو اجلاس کنگره سازمان)

— نقد و ارزیابی از عملکرد سازمان فدائی از کنگره وحدت تا کنگره فوق العاده

— بررسی نقد عملکرد گذشته دو سازمان فدائیان خلق ایران و آزادی کار ایران بر مبنای مضمون نخستین کنگره سازمان

— انتخاب کمیته مرکزی و کمیسیون بازرسی

چیزی که مقامات و مسئولان تیشه به ریشه اش زده اند، قانون است

و حکومت قانون و ملت

مانده، در همین رقابت و ترس از یکدیگر چاره راهی برای کامیابی بر مسائل پیچیده و مسائل بهم آمیخته و برای بهبود و بقا منافع ملی خود جز تفاهم و تبادل افکار و همگامی و همکاری نیافته است.

جناب آقای رئیس جمهور، باتوجه به مراتب فوق، از جنابعالی که مسئولیت اجرایی و اداره مملکت را به عهده دارید می خواهم که با صداقت و سرعت اقدامات ذیل را سرلوحه اندیشه و اعمال خود و حاکمیت قرار دهید:

۱ - جلوگیری از خلفا و خرابیها و انعقاد قراردادهای اسارت آور با بیگانگان بدون نظارت ملی.

۲ - بازگرداندن حقوق قانونی مردمی که در فصول سوم تا پنجم قانون اساسی تصریح گردیده است به مردم و جلوگیری از سیاستهای سرکوبگرانه بعضی از نهادها.

۳ - آزاد گذاردن و تامین فعالیت احزاب و جمعیت های سیاسی و مطبوعات که فعالیت قانونی و هلی دارند. فرصت دادن خالی از دغدغه و آزار برای بحث و گفتگو و برخورد آراء و عقاید بمنظور حل مشکلات و معضلات مملکتی و همکاری صمیمانه مردم و بالاخره امکان استقرار حاکمیت قانونی ملت. امضاء کنندگان این بیانیه که در گذشته همواره با حکومت های خودکام و انحصار طلب در ستیز بوده اند و بسیاری از آنها به زندان و تبعید محکوم گشته اند با این که به تجربه می دانند که ممکن است پس از انتشار آن از گزند بدخواهان در امان نباشند مع الوصف بر پایه رضای حق و احساس وظیفه و بخاطر سعادت ملت ایران این نامه را به مقام ریاست جمهوری ارسال داشته ایشان می خواهند که با دستور نشر آن در مطبوعات و رسانه های گروهی قدم اول را در اجرای خواسته های مردم و لغو سانسور بردارند و با هتایت و اجرای بندهای سه گانه بالا پاسخ سریعی به انتظارات بحق ملت ایران بدهند.

تهران - اردیبهشت ماه ۱۳۶۹

۳ - از نظر استبداد، استقلال و بقا و بازسازی کشور

علیرغم کوس پیروزی نهائی جنگ و دفن ابدی استکبار و فتنه در جهان، هنوز بیش از دو هزار و پانصد کیلومتر مربع از خاک وطن ما در چنگ صدام جنایتکار بوده و معلوم نیست تا کی حالت خفقان آور آنه جنگ و نه صلح سرگردانی اسیران دو طرف، نگرانی از یورش ناهنگام مدعیان داخلی و خارجی و گردش های ناهنجار روزگار، باید ادامه داشته باشد؟ بدون آنکه آبادی و رفاه و بازسازی موهود و بازگشت ایران به حرکت و حیات صورت جدی و امید بخش به خود گرفته باشد.

علیرغم وعده های به مستضعفین و شعارهای پرطنین، طبقات محروم جامعه محروم تر و زیاده تر شده اند، در چنگال گرانی و گره های زندگی گرفتار و از آینده خود مأیوس تر.

گرانی تصاعدی معیشت و فارت سرسام آور یک اقلیت وابسته به حاکمیت از یک طرف و محرومیت ها و تنگناهای کمر شکن اکثریت از طرف دیگر، اختلاف طبقاتی و جدائی و کینه ورزی را به حد اعلی رسانده است.

۴ - از نظر روابط جهانی و سیاست خارجی اتخاذ هدف های احساساتی افراطی خارج از خواسته های نخستین انقلاب و اسلام، سیاست های ناخردانه و بالاخره ناتوانی مسئولین و نادرستی روش های پیروی شده در سیاست خارجی، کشور پر افتخار ایران را به بدترین انزوای سیاسی انداخته است. بدنامی و بی اعتباری بین المللی را نصیبمان کرده است، و ما را در معرض دائمی توطئه های تلافی گرانه قرار داده است. علاوه بر اینها از ارتباط و احترام و استفاده از جریان های بین المللی محروم گشته ایم، اتمام در دنیا به هم پیوسته دهشتناکی که ملت های قالب و مغلوب جهان را، پیش رفته و عقب

تمنا بصورت و آم و مشارکت و به بهای از دست دادن استقلال و حیثیت کشور بسوی صنایع و سرمایه ها و سردمداران فاسد آنها دراز کرده است و هم برای اجرای آتش بس به خروج از حالت نه جنگ و صلح امید و آبروی خود را به زیر سایه رفت و لطف شورای امنیت و قدرتهای بزرگ برده است!

۲ - از نظر آزادی و امنیت و از نظر معنوی و مدیریت

از آزادی های عمومی و امنیت های سیاسی و قضائی و اقتصادی و از حاکمیت قانون و ملت آنطوریکه در قانون اساسی مصوبه آراء عمومی سال ۵۸ تعیین و تضمین شده است چیزی جز خاطرات و آرزو باقی نمانده است. بندهای اختناق و انحصار سال به سال تنگ تر و تیز تر شده است. نظام جمهوری با گامهای بلند خصوصاً بعد از بازنگری و اختیارات مانع قانونی که رهبری و حاکمیت به خود داده اند سیر قهرانی و ضد انقلاب و به استبداد مطلقه و به سلطه و به سلطنت موروثی روحانیت نموده است.

در زمانی چنین سیر قهرانی و خودکامی و اختناق در کشور ما روی میدهد که رهبران ستمگری و اسارت کمونیزم و فاشیسم با واقع نگری و جوانمردی از انحصار طلبی استعفا داده و به آزادی ملت ها و کثرت گرایی بازگشت نموده اند و در اروپای شرقی و در قاره های عقب افتاده امانت آزادی و حقوق انسانی را به صاحبان برمیگردانند. از شیلی تا رومانی همه جا پرچم آزادی و حاکمیت مردمی به احتراز در آمده است و در حالیکه در کوهستانهای دور افتاده میمیلیا مردم نیال تدارک چشم پیروزی بر استبداد را می بینند، حاکمیت ما با خوئسردی و تظاهر به استواری نظاره گری می نمایند و به شعار دادن و ترویج شخص پرستی ادامه میدهد.

با بپای زوال آزادی و امنیت، دو مصیبت دلخراش تر نیز دامنگیر ملت شده است. یکی انحطاط معنویت در زمینه های دینداری و اخلاق و وطن دوستی و دیگر آشفتنگی و از هم گسیختگی مدیریت یا حکومت کشور.

بگونه آشکار و علیرغم وظایف و برنامه ها و پیشنهاد های نیکه از ناحیه رهبری و متولیان در راستای اجرا و اشاعه اسلام در ایران و در اقطار جهان پیش گرفته شده است، هلاکت و اعتقاد به دین و آئین و احکام اسلامی در اکثریت وسیعی از مردم ایران خصوصاً در جوانان تنزل فاحش یافته است. دوستی و درستی و راستی که از لوازم عشق به زندگی و بقا و ترقی است دچار تردید و تزلزل گردیده است. احساس تعهد و خدمت و فداکاری در قبال میهن و هم میهنان که قبل از انقلاب رشد محسوس پیدا کرده بود جای خود را به سرخور دگی و بی تفاوتی و احيانا بدبینی و بدخواهی داده است.

اما از حاکمیت قانون و حکومت مردم بر مردم و تخصص و مدیریت چه بهتر که سخنی نگوئیم، چیزی که مقامات و مسئولان نامش را همیشه بر زبان آورده اند ولی تیشه به ریشه اش زده اند و از اعتبار و اثر انداخته اند، قانون است و حاکمیت قانون و ملت در جمهوری اسلامی ایران.

ضمن آنکه برای تخصص و صلاحیت مدیران و سازمان صحیح دستگاه ها در زبان و در عمل ضرورت و ارجی قائل نبوده اند، تعدد مراکز تصمیم گیری و تضاد نهادها، ملوک الطوائفی و هرج و مرج اداری و بطور کلی بی اعتنائی به مسئولیت و مدیریت و نظارت با پیامدهای ویرانگر آنها از ویژگی های بارز نظام حاکم می باشد.

هفته گذشته نامه ای با امضاء ۹۰ تن در تهران انتشار یافت. در میان امضاء کنندگان نامه، نام هایی چون مهندس مهدی بازرگان، دکتر ابراهیم یزدی، مهندس عزت الله سحابی، علی اردلان و احمد صدر حاج سید جواد به چشم می خورد. صدور این نامه با توجه به اسامی امضاء کنندگان آن و موضع صریح تر آن نسبت به گذشته، انعکاس وسیعی در داخل و خارج از کشور داشت. هاشمی رفسنجانی خود مستقیماً علیه این نامه موضع گرفت و امضاء کنندگان آن را و رشکستگان سیاسی خواند که جایی برای عرض اندام ندارند. متن کامل این نامه چنین است:

بنام خدا

جناب آقای رئیس جمهور:

بطوریکه همه میدانند انقلابی که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در ایران روی داد دنباله حوادث و مبارزاتی بود که زنجیر وار از یکصد سال پیش با قیام تنباکو آغاز گردید. هدف این مبارزات بریدن استعمار جهانی و آزادی و رهائی ملت به خواب رفته ایران از بندهای کهنسال استبداد و نادانی و ناتوانی بود و برای رسیدن به آزادی و استقلال و عدالت خواهی در این رهگذر دو سلسله قاجاریه و پهلوی از قدرت برکنار شدند. امیدو انتظار ملت چنین بود که با انقلاب اسلامی ایران سرانجام نور آزادی و عزت و استقلال و عدالت الهی بر ظلمت جهل، اسارت استبداد، ذلت فقر و سلطه بیگانگان غلبه خواهد کرد. اما صد افسوس که در دوازدهمین بهار انقلاب جای آزادی و رضایت و رهائی خالی است و از نظر اقتصادی و سیاسی بیش از هر زمان دست بسته و دست به سینه شده ایم.

متأسفانه تذکرات و هشدارهای ناصحان و خیر خواهان نادیده گرفته شده است و اکنون کشور عزیز ما در بن بست بحرانی از سختی و ناخوشنودی و نابسامانی دست و پا میزند. علیرغم وعده های به مستضعفین و شعارهای پرطنین، طبقات محروم جامعه محروم تر و زیاده تر شده اند، در چنگال گرانی و گره های زندگی گرفتار تر و از آینده خود مأیوس تر، ملک و ملت به لبه پرتگاه و حشتناک ویرانی و نابودی رسیده است.

بطور کلی و مختصر پس از ده سال حکومت مطلقه انحصار، اختناق و انحراف امروزه در شرایطی زندگی می کنیم که:

۱ - از نظر اقتصادی و اجتماعی

بر شما و احادی پوشیده نیست که کشور ایران در اثر سالها جنگ خارجی، خروج از آرماتها و اهداف انقلاب و سوء مدیریت مسئولین و متصدیان دست به گریبان بی سابقه ترین بحران اقتصادی شده است که توام با تورم، بیکاری، کاهش تولید و تاراج سرمایه های خدادادی می باشد. درآمد سرانه کشور به نرخ ثابت به کمتر از نصف سال ۵۶ تنزل یافته است. گرانی تصاعدی معیشت و فارت سرسام آور یک اقلیت وابسته به حاکمیت از یک طرف و محرومیت ها و تنگناهای کمر شکن اکثریت از طرف دیگر، اختلاف طبقاتی و جدائی و کینه ورزی را به حد اعلی رسانده است. همگی نگران از سر نوشت خویش و مملکت اند و جوانان و کارکنان به دامن اعتیاد، ارتش و فساد و فحشا افتاده اند!

مردم ایران می خواهند بدانند چه جریان ها و چه کسانی سرمایه های عظیم ملی را که یک رقم آن ۱۷۰ میلیارد دلار درآمد نفت است به باد داده اند؟ تا آنجائیکه وزیر دارائی در مجلس می گوید کسری بودجه سال ۶۸ معادل کل درآمدهای ایران با اضافه ۷۶ میلیارد تومان بوده است!

مردم ایران می خواهند بدانند چه اشتباهات و سوء سیاستها باعث شده است که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از آنهمه طعنه و تندبها به ابر قدرتهای غرب و تبری جستن از سازمانهای سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه داری، هم دست

- آیت الله سید ابوالفضل موسوی زنجانی / ۲ - دکتر مصطفی اخلاقی / ۳ - علی اردلان / ۴ - امیر توکل ابراهیمی / ۵ - حاج محمد تقی الهی / ۶ - دکتر غلامعلی اخروی / ۷ - مهندس مهدی بازرگان / ۸ - مهندس مرتضی بدیمی / ۹ - عبدالله برهان مز / ۱۰ - محمد بخت نگر / ۱۱ - مهندس عبدالعلی بازرگان / ۱۲ - مهندس سید صالح بنافتی / ۱۳ - دکتر محمد حسین بنی اسدی / ۱۴ - محمد بهتیا / ۱۵ - دکتر فرهاد بهبانی / ۱۶ - دکتر منوچهر بیات / ۱۷ - مهندس رضا نویان / ۱۸ - دکتر نورعلی تابنده / ۱۹ - مهندس عباس تاج / ۲۰ - مهندس محمد توسلی حجتی / ۲۱ - دکتر غلامعباس توسلی / ۲۲ - محمد توسلی / ۲۳ - مهدی چهل تنی / ۲۴ - مهندس حسین حریری / ۲۵ - ابوالفضل حکیمی / ۲۶ - عزت الله خلیلی / ۲۷ - حاج محمد خلیلی نیا / ۲۸ - دکتر علی خواجوی / ۲۹ - مهندس هوشنگ خیر اندیش / ۳۰ - دکتر حبیب داوران / ۳۱ - جمال درودی / ۳۲ - عبدالله رادیا / ۳۳ - مهندس محمد رسولیان / ۳۴ - بهمن رضا خوانی / ۳۵ - دکتر شهباز روحانی / ۳۶ - یدالله روشن اردلان / ۳۷ - زین المابدین ذافری / ۳۸ - اکبر زریته بان / ۳۹ - مهندس فروش زعیم / ۴۰ - دکتر یدالله سحابی / ۴۱ - صادق سرفراز / ۴۲ - عباس سمعی / ۴۳ - مهندس عزت الله سحابی / ۴۴ - حسین شاه حسینی / ۴۵ - ابوالفضل میر شمس شهبانی / ۴۶ - مهندس هاشم صباغیان / ۴۷ - احمد صدر حاج سید جواد / ۴۸ - دکتر رضا صدر / ۴۹ - حسن طالبی / ۵۰ - مهندس اکبر طاهری / ۵۱ - دکتر رحیم عابدی / ۵۲ - محمود عمرانی / ۵۳ - ابراهیم عینکی / ۵۴ - دکتر اصغر غروی / ۵۵ - حاج سید سعید غفار زاده / ۵۶ - جلال غنی زاده / ۵۷ - مهندس مرتضی فاضلی / ۵۸ - سرلشکر ناصر فرید / ۵۹ - دکتر غفار فرزندی / ۶۰ - دکتر حسن فرید اعلم / ۶۱ - سرلشکر مرتضی فکور / ۶۲ - مهندس عباس فائز الصباحی / ۶۳ - مهندس مصطفی کتیرائی / ۶۴ - محمد علی کرچستانی / ۶۵ - حاج محمود مانیان / ۶۶ - دکتر اسدالله مبشری / ۶۷ - سید جواد مادر شاهی / ۶۸ - علی موشی / ۶۹ - سرتیب ناصر مجالی / ۷۰ - دکتر علیقلی محدودی بهتیار / ۷۱ - حاج محمد مهدی اردحالی / ۷۲ - دکتر سید رحمت الله لیر حقانی / ۷۳ - سید مصطفی مصطفوی / ۷۴ - مهندس علی اکبر معین فر / ۷۵ - مهندس تقی مکی نژاد / ۷۶ - هرمز میزری / ۷۷ - خسرو منصوریان / ۷۸ - مهندس نظام الدین موجد / ۷۹ - مهندس رضا مسموعی / ۸۰ - سید نورالله میر احمدی / ۸۱ - مصطفی مسکین / ۸۲ - حسن نامی / ۸۳ - سرهنگ غلامرضا نجانی / ۸۴ - صادق نوربری / ۸۵ - حسین نایب حسینی / ۸۶ - علی وکیل / ۸۷ - دکتر محمد هادی هادی زاده / ۸۸ - مهندس علیرضا هندی / ۸۹ - دکتر ابراهیم یزدی / ۹۰ - مهندس حبیب یکتا.

رئیس قوه قضائیه:

متهمین به "بدحجابی" خارج از نوبت محاکمه خواهند شد

* درگیری مجددی بین مردم و پاسداران روز جمعه ۴ خرداد در میدان فردوسی تهران به وقوع پیوست.

بقیه از صفحه اول

حداقل ۷۰ مورد بوده است، می‌توان دریافت که مأموران رژیم در تهران و سایر شهرها صدها نفر را دستگیر کرده‌اند.

عبدالله نوری وزیر کشور که در جریان مبارزه با "بدحجابی" با بخشنامه او شروع شد، در مشهد تاکید کرد: "دولت مصمم است مساله بدحجابی و مظاهر فساد را ریشه‌کن کند و در این راستا اجرای طرح مبارزه با بدحجابی و فساد با قاطعیت دنبال می‌شود و با هماهنگی قوه قضائیه با کلیه متخلفین و اشاعه‌دهندگان فساد برخورد قانونی صورت می‌گیرد."

وی افزود مقررات جدید تنها شامل معابر عمومی نمی‌شود بلکه "بخش‌ها و اماکن خصوصی" نیز تحت کنترل شدیدی قرار خواهند گرفت. نوری اظهار داشت آن واحدها از بخش خصوصی که مقررات جدید را رعایت نکنند، "پلمپ خواهد شد و صاحبان آنها نیز مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت."

ادارات و سازمانهای دولتی نیز شاهد تشدید مقررات حجاب خواهد بود. وزیر کشور در این مورد گفته است: "کارکنان شافل ادارات و موسسات دولتی موظف به حفظ حجاب و رعایت شئون اسلامی هستند... همچنین در صورت مشاهده زنان بدحجاب در خودروهای دولتی این خودروها ضبط خواهند شد."

نوری، هر صده دیگر قدرت نمایی جدید را اتوبوس‌ها ذکر کرد. وی اتوبوس‌های مختلط را "مهمترین مراکز گسترش فساد" نامید و اعلام نمود: "مساله جداسازی اتوبوس‌های مختلط در تهران در حال انجام است و در آینده تهران اتوبوس‌های مختلط نخواهد داشت."

همزمان با بگیر و ببندی که در ارتباط با حجاب در شهرها و به ویژه تهران در جریان است، نیروهای انتظامی و مراجع قضایی رژیم مرتب اعلامیه می‌دهند و جزئیات مقررات جدید را اعلام می‌کنند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در روز ۲۴ اردیبهشت کمیته طی اطلاعیه‌ای "چگونگی نظارت بر اماکن عمومی و برخورد با متخلفین صنفی" را اعلام کرد. جزئیات موارد ذکر شده در این اطلاعیه چنین است:

۱- مجموعه صنفی که به نحوی در رابطه با فروش البسه زیر زان فعال هستند مجاز به عرضه آن در پشت ویتترین و در معرض دید عموم نمی‌باشند.

۲- تولید و عرضه گویین های مبتذل، هینگ های گریه‌ای و آئینه‌ای، جوراب های نازک گپیور، کفش های چراغدار، عکس هنرپیشگان و خوانندگان داخلی و خارجی، هلائم و نشانه های مبتذل ممنوع است.

۳- صاحبان واحدهای صنفی و کارکنان آنها مجاز به استفاده از کراوات و پاپیون به ویژه در اماکن اقامتی نمی‌باشند.

روزنامه کیهان گزارش داد از روز شنبه ۲۲ اردیبهشت مقررات جدید در مورد مقارنه ها و واحدهای صنفی به اجرا گذاشته شد. در خبری که در شماره ۲۴ اردیبهشت این روزنامه چاپ

شده آمده است: "طی دو روز گذشته تعدادی از اماکن و واحدهای صنفی به دلیل عدم رعایت ضوابط اخلاقی توسط پاسداران کمیته انقلاب اسلامی تعطیل شد."

به گفته اکبرزاده مقام مسئول کمیته در مورد حجاب، دستورالعمل‌های جدید برخلاف گذشته موارد تخلف از "شئون اسلامی" را مشخص می‌کند تا "مأموران انتظامی به خوبی بدانند با چه کسانی برخورد کنند". لازم به تذکر است که برخلاف گفته این مقام کمیته، در بخشنامه‌های جدید علاوه بر ذکر جزئیاتی که این بخشنامه‌ها را شبیه به کاتالوگ یک بوتیک می‌کند، دست نیروهای سرکوبگر در تعرض به مردم باز گذاشته شده است؛ یکی از موارد ممنوعیت، این است: "پوشیدن لباسهای شهره و لباسهایی که باعث جلب توجه عمومی شود یعنی باعث انگشت‌نما شدن فرد گردد." هر پاسداری می‌تواند هر کس را که بخواند به بهانه تخلف از این دستور، مورد حمله قرار دهد.

به گفته اکبرزاده، هنگامی که در مقررات جدید از "مظاهر فساد" ذکر می‌رود، "هلائم و نشانه‌های خاصی که در فرهنگ مبتذل غرب رواج دارد مثل کله خرگوش، عقاب، یا هلائم راک، ریمبو، صلیب شکسته و سایر هلائم در نظر است". وی در رابطه با لباس زنان، از جمله "تخلقات" این موارد را برشمرد: "استفاده از انواع و سایل آرایشی مثل ریمپل، سایه روشن، هینگهای نمایشی، پولک، لاک ناخن، آرایشهای زننده و نمایشی، استفاده از روسری‌های نازک که باعث پیدا شدن موها و گردن بشود." و در مورد مردان افزود: "اگر مردی بخواند خلاف شئون فرهنگ ملی و اسلامی عمل کند با او برخورد خواهد شد. مردان باید از پوشیدن لباس‌های مبتذل، جلف و خلاف هفت عمومی که دارای هلائم و نشانه‌های خاصی است خودداری کنند."

مسئول "امربه معروف و نهی از منکر" گفت در جریان تعرض اخیر کمیته به مردم تهران، نیروهای کمیته در ۱۵۴ نقطه ثابت و ۱۹۰ گروه سیار شرکت داشته‌اند. وی در مورد شرکت‌ها اظهار داشت: "شرکتها باید در واحد خود را برای رفت و آمد باز بگذارند تا کسی مجبور نباشد با آیفون تماس بگیرد. همچنین ساعت کار خود را باید در معرض دید ارباب رجوع نصب کنند." اکبرزاده، بطور ضمنی از رادیوتلوویزیون جمهوری اسلامی گله کرد که چرا بقدر کافی با یورش اخیر همراهی نکرده است. وی گفت باید در مبارزه با "بدحجابی" از "موقعیت" های مبارزه با مواد مخدر درسی گرفت.

در روز جمعه ۲۸ اردیبهشت، نیروهای بسیج کوههای شمال تهران را به ترق خود در آورند. اعلام شده بود که بیش از پنج هزار بسیجی از دربند به شیرپلا کوهپیمایی خواهند کرد و در آبشار دولو، محسن رضایی فرمانده سپاه و فیروزآبادی رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای

مسلح به سخنرانی خواهند پرداخت. روابط عمومی بسیج اعلام کرده است از این پس این برنامه هر هفته توسط یکی از واحدهای سپاه و بسیج اجرا خواهد شد. هدف این برنامه، "پاکسازی و سالم سازی محیط کوه‌ها از عناصر فاسد و اشاعه‌دهندگان فرهنگ ابتذال و منکرات" اعلام شده است.

مقامات رژیم تاکید می‌کنند که "مبارزه با بدحجابی" دیگر قطع نخواهد شد و به فصل ویژه‌ای محدود نمی‌ماند.

همه گزارشها حاکی است رژیم فقها این بار مساله حجاب را جدی‌تر از سالهای اخیر پیگیری می‌کند. گزارشهای مستقل از ضرب و جرح مردم توسط پاسداران و حتی کشته شدن تعدادی از آنها بدست مأموران رژیم، و نیز مقاومت گروههایی از مردم در برابر یورش اخیر رسیده است. ابعاد بسیج نیروهای رژیم نیز که در رسانه‌های رسمی بازتاب یافته، حاکی از این است که مسئولان عملیات اخیر با پیش‌بینی مقاومتی گسترده، به تدارک نیرو پرداخته‌اند. همانگونه که از اخبار مندرج در

درون رژیم، محرک دور جدید مبارزه با "بدحجابی" شده است، توضیح دهنده زمینه عمده این تعرض نخواهد بود.

واقعیت این است که در سالهای اخیر، و به ویژه پس از قطع جنگ، تضعیف موقعیت حکومت در کل جامعه، باعث افزایش نسبی آزادی عمل مردم در عرصه‌های معینی شد. نوع لباس پوشیدن و بی‌توجهی به آنچه مورد نظر و مطلوب رژیم در رفتار مردم است، یکی از این عرصه‌هاست. برخی از مردم، و به ویژه جوانان، با به نمایش گذاشتن هدم پیروی خود از چارچوبهای تنگ تعیین شده، بطور غیرمستقیم مخالفت خود را با حکومت نشان می‌دهند. بدیهی است رژیم، در همه جا و همه وقت امکان و نیروی کافی برای کنترل همه مردم را ندارد. علاوه بر این، اگر در سالهای نخست، سیاست تحمیل حجاب می‌توانست با تکیه بر احساسات مذهبی بخشی از مردم پیش زود، امروز دیگر کسی که وابسته به حکومت نباشد، بیهوده خود را درگیر مسائل این چنین نمی‌کند. در چنین شرایطی، ناراضی‌تری روزافزون مردم از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در کنار تضعیف روحیه حزب‌اللهی‌ها پس از شکست در جنگ و مرگ خمینی به کاهش چشمگیر حضور نیروهای رژیم در عرصه‌هایی مانند حجاب، کنترل هدم روزه‌خواری در ماه رمضان و منع مراسم سنتی فیراسلامی مانند چهارشنبه سوری، نوروز و سیزده بدر شده بود. علاوه بر این، دولت رفسنجانی در آغاز روی کار آمدنش

تلاش می‌کرد این توهم را ایجاد کند که ریاست جمهوری رفسنجانی به معنای گشایش اقتصادی و اجتماعی است. از آخرین ماههای حیات خمینی، زمینه‌های مساعدی مانند مجاز کردن موسیقی و شطرنج به جا مانده بود. رادیوتلوویزیون برنامه‌های متنوع تری در فعالیت خود گنجاندند...

اینک، حداقل در رابطه با مسئله حجاب و طرز لباس پوشیدن زنان و مردان، چرخشی در سیاست رژیم پیش آمده است. به نظر می‌رسد نیروهای حکومتی به فکر تجدید اقتدار سالهای پیشین افتاده‌اند. با آنکه مطالبات وابسته به جناح محتشمی مانند کیهان بیشترین جنجال را در این مورد به راه انداخته‌اند، بخشنامه جدید مصوب هیات دولت است، وزیر کشور منصوب رفسنجانی، فعال‌ترین برخورد را با این مقررات دارد، و قوه قضائیه محمد یزدی نیز قول همکاری داده است.

بعیده به نظر می‌رسد بعد از این یورش گسترده، حقایق عوامفریبی رفسنجانی که می‌کوشید نوهی انعطاف پذیری به نمایش بگذارد، برای کسی رنگی داشته باشد و باز بعید است که سران حکومت بدون در نظر گرفتن هواقب این تعرض، آن را سازمان داده باشند. گویی انتخابی صورت گرفته است، و رژیم تصمیم گرفته لاقط در مورد "شئون اسلامی"، هرگونه نمش را کنار بگذارد، به ویژه وقتی قدرت نهایی، بتواند بطور موقت هم که شده، روحیه "برادران حزب الله" را تقویت کند.



تیتربزرگ صفحه اول روزنامه‌های رژیم به مدت یک هفته اختصاص به مانور دریائی و هوائی ارتش و سپاه به نام سهند داشت. این مانور که در روز ۲۷ اردیبهشت با حضور رفسنجانی و سخنرانی پاسدار در یادار شده، شمخانی، فرمانده نیروی دریائی ارتش پایان گرفت.

تشکیل "کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران"

در برنامه و عمل خود آزادی، دموکراسی، پلورالیسم سیاسی، حقوق بشر و مرجعیت مردم را می‌پذیرند، دراز می‌کنند. ما از همه نیروهای دموکرات ایران دعوت می‌کنیم که از طریق آدرس زیر با "کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران" تماس گرفته تا خواست دیرینه مردم زجرکشیده ایران، یعنی اتحاد وسیع همه نیروهای ملی و آزادیخواه به جامعه عمل درآید.

کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران - نورودین ۱۳۶۹ حزب دموکرات کردستان ایران - سوئد حزب دموکراتیک مردم ایران - سوئد سازمان فدائی - سوئد سازمان فدائیان خلق ایران - سوئد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سوئد کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران - سوئد

آزادی و عدالت پدیدار گردیده است را جزو وظایف خود می‌شمارد. پیروی کامل از اصل مرجعیت مردم بر پایه رای و اراده خود مردم از جمله اصولی است که "کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران" همیقا خود را به آن پایدار می‌داند.

نیروها و محافل آزادیخواه و ملی ایران! به اعتقاد ما در جنبش ملی و دموکراتیک ایران نیروها، گروه‌ها و دستجات آزادیخواه و شخصیت‌های اجتماعی مترقی و دموکرات گسترده دیگری وجود دارند که در مبارزه برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و دفاع از آزادی‌های دموکراتیک و استقلال ایران قویا سهیم و هلاقمندند. "کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران" در این فرصت دست همکاری خود را بسوی همه سازمان‌ها، احزاب، کانون‌ها، محافل و شخصیت‌ها که

میهن، نیاز واقعی و مبرم شرایط کنونی و مردم میهن ماست. ما امضاکنندگان زیر پس از چندین ماه همکاری مشترک و سودمند و بدنبال تبادل نظرهای ضرور در پاسخ به ضرورت‌های جدی شرایط کنونی بر آن شده‌ایم که تا سطح همکاری‌ها، حرکات سیاسی و اتحاد عمل‌های خود را بیش از پیش تحکیم و گسترش داده و بر دامنه هماهنگی‌های مبارزاتی خود بیافزاییم. بر این مبنا تشکیل "کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران" متشکل از امضاکنندگان زیر گام دیگری است که تجمع سابق ما برای منسجم‌تر و موثرتر کردن حرکات و مبارزات خود برمی‌دارد.

کمیته فوق بهره‌گیری از تجارب مبارزاتی دهه‌های اخیر مردم ایران و نیز توجه همه‌سویه به شرایط جدید جهانی و مسائل نوینی که در برابر مبارزان راه

ماه گذشته نمایندگان واحدهای سوئد چند سازمان سیاسی در جهت ارتقاء همکاری‌های خود تشکیل "کمیته همبستگی برای دموکراسی در ایران" را اعلام کردند. در زیر متن فراخوان این کمیته درج می‌گردد:

هموطنان! رژیم استبدادی و مرتجع جمهوری اسلامی سدره هرگونه تحول دموکراتیک تجدد و ترقی ایران است. مبارزه برای سرنوشتی این رژیم مبرم‌ترین و عمده‌ترین خواست و وظیفه مشترک همه نیروهای آزادیخواه، شرایطی که خلا یک آلترناتیو دموکراتیک در کل اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی بشدت محسوس است، اتحاد برادرانه، وسیع همه نیروهای ترقیخواه برای آزادی، استقلال و آبادی

اندیشه‌ها و برداشت‌ها

نکاتی پیشنهادی در مورد مساله ملی کرد در ایران

بهمن خاکباز

برای ارائه به کنگره

طرح مساله کرد در سطح بین‌المللی و جلب افکار عمومی و ... آن اهداف دست یافتنی هستند که جنبش‌های پاره‌های کردستان باید برای تنظیم سیاست منطقه‌ای خود و تنظیم سیاست در قبال پاره‌های مختلف جنبش در برابر خود بگذارند. (شورای کردستان) از دل جبهه‌های کردستانی و یا نیروهای جنبش ملی‌کرد برای دست‌یابی به اهداف فوق و آرمانهای جنبش کردستان ضروری است.

□ شعار "حق تعیین سرنوشت" آن شعار استراتژیک و دموکراتیک است که می‌تواند مبنای سیاستهای جنبش‌های کردستان در راستای دستیابی به آرمانهای ملت کرد قرار گیرد.

۳- هدف جنبش مردم کردستان ایران در شرایط کنونی و با توجه به مجموعه مسائل و مشکلات و توان جنبش، ایجاد دولت خود مختار کردستان در ایرانی دموکراتیک و برخورداری از یک نظام کشوری فدراتیو است. در نظام دموکراتیک و فدراتیو ایران سازمان کشوری جدیدی بوجود می‌آید که در چهارچوب این سازمان کشوری باید بر روی تقسیمات کشوری فعلی تجدید نظر به عمل آید. در ایران فدراتیو هر ملتی دارای مجلس ملی خود خواهد بود. مجلس ملی برنامه‌ریز سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی هر ملت بوده و حکومت خود مختار خود را بر خواهد گزید. کشور در کنار پارلمان مرکزی دارای پارلمانی بوجود آمده از برگزیدگان پارلمانهای مناطق خودمختار یعنی شورای نمایندگان ملت‌های برابر و حقوق مساوی خواهد بود. امور مربوط به بودجه و توزیع آن و ... باید به تصویب این شورای نمایندگان ملت‌ها برسد. امور انتظامی بر عهده مجلس ملی (خودمختار) خواهد بود. استقرار ارتش مرکزی در کردستان باید با تصویب شورای نمایندگان ملت‌ها و مجلس ملی (خودمختار) باشد. در چهارچوب چنین نظامی زبان کردی در کردستان زبان اصلی و رسمی خواهد بود.

سازمان فدراتیو کشوری علاوه بر تامین خواستهای ملت‌های ایران، هاملی است که با قید و بند زدن به پای دولت مرکزی، از گرایش آن به سوی دیکتاتوری جلوگیری خواهد کرد. استقرار حکومت خودمختار کردستان در ایران می‌تواند پایه و اساسی برای حل نهائی مساله ملی ملت کرد باشد.

۴- در ایران بدون برقراری یک نظام و اتقا دموکراتیک و فدراتیو که در آن ملت‌های مختلف بر خورار از حق تعیین سرنوشت باشند، نمی‌تواند از برقراری دموکراسی سخنی در میان باشد از این رو قضاوت مردم کرد در مورد هر نظامی که در ایران برقرار گردد و هر سیاستی که جاری شود، این خواهد بود که موضع آن در قبال حق تعیین سرنوشت، چیست. ملت کرد باید آزاد باشد در ایرانی دموکراتیک و فدراتیو بماند و یا بصورت دولتی مستقل متشکل شود. این موضع یک سیاست واقعا دموکراتیک در ایران است. میزان دموکراتیک بودن نظام از دیدگاه مردم کردستان بر این منبناست، بنابراین علیرغم ارزیابی و نظام پیشنهادی ما، تصمیم نهائی در قبال ماندن یا جدا شدن از چنین نظامی بر عهده مردم کرد ایران است. هیچ قید و بندی نباید در میان باشد. مردم کرد ایران خواهان همبستگی همه ملت‌های ساکن ایران برای مبارزه با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند و سرنگونی این رژیم را شرط مقدم گام نهادن در مسیر رهائی خود می‌دانند.

موقعیت جنبش خلق کرد

در ایران و بنیادهای یک سیاست مبارزاتی در کردستان

۱- تاکنون مبارزه مسلحانه شکل اصلی مبارزه در کردستان بوده است. این شکل از مبارزه تاریخی و با توجه به مختصات کردستان اتخاذ شده و در مقاطع مختلف تاریخی توده‌ای شدن آن نقطه قوت جنبش کردی بوده است. پیشمرگه رکن اصلی جنبش در کردستان است.

۲- منطبق حکم می‌کند، و قتی که یک شکل و شیوه و تاکتیک از مبارزه علیرغم بکارگیری آن در طول تاریخ جنبشی به دلائل مختلف به نتیجه و پیروزی نمی‌رسد باید در صحت کاربرد مجدداً تجدیدنظر کرد.

ادامه دارد

محورهای که در زیر از نظر تان می‌گذرد، برای ارائه به کنگره سازمان تهیه شده است. بحث در مورد مساله ملی بویژه مساله ملی کردستان، به چند دلیل ساده زیر باید جای ویژه‌ای در کنگره سازمان داشته باشد:

۱- وجود مساله ملی در ایران و اهمیت این مساله

۲- جایگاه و اهمیت مبارزه مردم کردستان در گسترش و تعمیق مبارزه دموکراتیک و همدلتخواهانه در ایران و در کل منطقه

۳- همکاری‌های نادرست و خطا کارانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کردستان بویژه در سال ۱۳۵۹ به بعد...

شرکت همه اعضای این سازمان بویژه اعضای کرد آن در این بحث (چه آن هائی که از سازمان جدا شده‌اند و چه آن هائی که هنوز در درون آن فعالیت می‌کنند) کمک بزرگی برای سازمان در دست‌یابی به خطمشی و سیاست صحیح در قبال مساله کرد خواهد بود. بهتر از آن، این خواهد بود که دیگر سازمان‌ها، بویژه احزاب و سازمانهای کردی و شخصیت‌های مبارز و منفرد کرد نیز در برابر شدن و تمرکز شدن بحث‌های کنگره در قبال مساله کردستان با ارائه نظرات، پیشنهادها و انتقادهای خود یاری‌رسان این سازمان باشند.

نگارنده این سطور ادعای آشنائی عمیق و تسلط بر زیربوم‌های جنبش‌های ملت کرد و مسائل ریز پیرامون آن را ندارد. آنچه که نگارنده را بر نگارش این محورها واداشته است، اعتقاد به لزوم گسترش بحث در زمینه این مساله مهم و ضرورت نقد سیاست گذشته بزرگترین سازمان چپ ایران یعنی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در قبال جنبش ملت کرد است. نکات مطرح شده نه تمام شده و نه کامل هستند. نظرها و انتقادهای مسلمان می‌توانند آنها را تکمیل و تصحیح نمایند.

یادآوری: آنچه که در این نوشته می‌آید تیتیر محورهای از مساله ملی ملت کرد است، شرح مفصل مربوط به هر محور جاو نوشته ویژه خود را می‌طلب.

در مورد جنبش ملت کرد:

۱- جنبش ملت کرد، جنبش یکی از پر شمارترین

ملت‌های تحت ستم در منطقه است.

□ جنبشی است ملی، توده‌ای، اصیل، پیگیر.

□ این جنبش یکی از نیروها و اهرم‌های اصلی دموکراسی در منطقه است.

□ این جنبش تاکنون در کلیت خود جنبشی با

گرایش چپ و همدلتخواهانه بوده است.

□ این جنبش خصلتی غیرسکتاریستی داشته و

یاری‌رسان مبارزات دموکراتیک و همدلتخواهانه در

کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه بوده است.

□ جنبش مردم کرد در هر پاره کردستان علیرغم

شمار مستعمل ملی و درون مرزی خود خصلت برون

مرزی دارد.

□ جنبش کردستان، یک جنبش‌های بخش ملی در

منطقه است.

□ جنبش کردستان یکی از عناصر معادلات سیاسی

منطقه است.

□ سمت و سوی گرایش تاریخی جنبش ملی

ملت کرد، دستیابی به استقلال، وحدت پاره‌های

کردستان و تشکیل کشور و دولت مستقل کردی

است. تحقق هدف نهائی جنبش ملت کرد یعنی تشکیل

کشور و دولت مستقل کردی و شکل متحقق شدن آن با

توجه به مشکلات و موقعیت جنبش یعنی جدائی

پاره‌های آن، وجود حکومتی فاشیستی و ارتجاعی

حاکم بر هر پاره کردستان، موقعیت جغرافیائی،

عدم تامین مداوم تدارکات، برخی الزامات ناشی از

مبارزه مسلحانه، نبود پشتیبان واقعی جهانی (تا

کنون جنبش این ملت بسته به اوضاع جهانی و رابطه

حکومت‌های حاکم بر کردستان با دو اردوی

سوسیالیسم و امپریالیسم مورد معامله و مبادله

قرار گرفته است) و ... علاوه بر توان جنبش رابطه

مستقیمی با استقرار در نظام‌های دموکراتیک در کل

منطقه دارد. در شرایط کنونی با توجه با آنچه که گفته

شد وحدت سیاسی پاره‌های کردستان یعنی تشکیل

کشور و دولت واحد کردی (هدف نهائی جنبش)

ممکن بنظر نمی‌رسد. بنابراین تبدیل شعار

استراتژیک جنبش به شعار روز نادرست است. اما این

مساله بهیچوجه نباید هدف نهائی جنبش را در سایه

قرار دهد. کمک و همبستگی متقابل، تبادل اطلاعات و

اخبار، تبادل دستاوردهای فرهنگی و همدلی برای

خبرگزاری جمهوری اسلامی و رادیو تهران در گزارش‌های خود هیچ اشاره‌ای به ترور رئیس زندان گوهردشت کرج نکردند و هیچ یک از خبرگزاری‌هایی که در تهران نمایندگی دارند هنوز این خبر را مورد تأیید قرار نداده‌اند.

روزنامه ایندپندنت چاپ لندن نیز خبر ترور سید رضا قریشی را در روز شنبه این هفته چاپ رسانده و نوشته است رئیس زندان گوهردشت کرج در یک عملیات متعورانه چریکی در جاده کرج - قزوین به قتل رسید. ایندپندنت از قول محافل مخالف رژیم تأکید کرده است که

سید رضا موسوی قریشی شخضادر اعدام‌های دسته‌جمعی در زندان گوهردشت دخالت داشته است. مجدداً از شما می‌خواهم در صورت صحت خبر اگر هم مطلب فوق برای نشریه زیاد است اشاره‌ای بدان بکنید.

باتشکر از شما
خواهر یک زندانی
سیاسی اعدام شده در گوهردشت



خبر آن را به خاطر دل ما چاپ کنید

باسلام به رفقای اکثریت:

اهدام زندانیان سیاسی بیرحم بوده و به همین مناسبت او را "جلاد کرج" نام نهاده بودند همچنین گفته می‌شود که دخالت مستقیم سید رضا موسوی قریشی در اعدام‌های دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در سال گذشته نفرت عمیقی نسبت به وی در میان زندانیان و وابستگان اعدام‌شدگان ایجاد کرده بود.

دوستان عزیز در هفته گذشته خبری مربوط به ترور رئیس زندان گوهردشت کرج را در کیهان چاپ لندن مطالعه کردم. از آنجائی که من یکی از کسانی هستم که در زندان گوهردشت هیزی داشته‌ام و دژخیمان جمهوری اسلامی در موج اعدام‌ها او را پس از ۱۵ سال اعدام کردند، جای آن دیدم که خبر مربوطه را برای نشریه اکثریت که نشریه مورد علاقه من می‌باشد بفرستم هر چند فکر می‌کنم خبر مورد نظر من تاکنون به شما عزیزان رسیده و چون روزنامه این هفته اکثریت را دریافت کردم و دیدم از این خبر هیچ در نشریه نیامده جایز دانستم که از شما دوستان بخواهم که در صورت صحت داشتن خبر آن را به خاطر دل ما چاپ کنید شاید باز کسانی باشند که مثل من خوشحال شوند.

روزنامه ایندپندنت لندن:

رئیس زندان گوهردشت کرج را چریک‌های مخالف رژیم کشتند. بنابر گزارش‌های واصله از تهران سید رضا موسوی قریشی رئیس زندان گوهردشت کرج که به "جلاد کرج" شهرت داشت بوسیله گروهی ناشناس در جاده بین قزوین و کرج ترور شد. معاجمین که راه را بر اتوموبیل حامل رئیس زندان گوهردشت و محافظان او بسته بودند با شلیک مسلسل او را کشتند و بدون اینکه اثری از خود بر جای بگذارند از محل حادثه گریختند. راننده و پاسداران محافظ سید رضا موسوی قریشی در این حادثه به شدت زخمی شدند. خبر واصله حاکی است که هنوز هیچکس به اتهام دست داشتن در قتل رئیس زندان گوهردشت از سوی رژیم دستگیر نشده است. گفته می‌شود سید رضا موسوی قریشی از عوامل سرکوبگر حزب الهی رژیم بوده و نسبت به زندانیان سیاسی رفتاری غیرانسانی و بسیار خوشونت‌آمیز داشته است. وی در شکنجه و

شهادت رفیق علی اشرف مرادی

است. رفیق علی اشرف در سال ۶۴ دستگیر شده و پس از سپری شدن دوره محکومیت آزاد گردیده بود. اما حدود ۴۰ روز قبل، از جانب مزدوران رژیم مجدداً دستگیر شده و در فاصله کمتر از یک ماه به جوخه اعدام سپرده شده است. برادر علی اشرف، رفیق شهید علی اکبر مرادی نیز چند سال پیش توسط رژیم اسلامی اعدام شده بود.

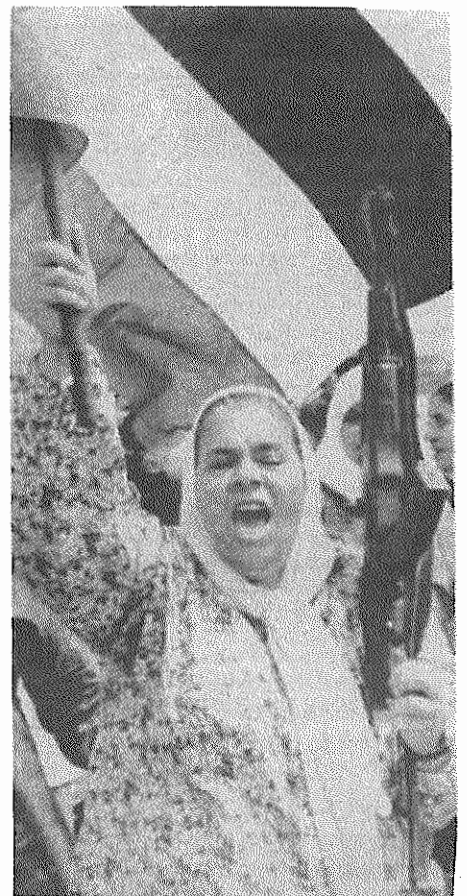
دستگیری و اعدام علی اشرف بار دیگر نشان می‌دهد که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هیچگونه اعتنائی به ابتدائی‌ترین حقوق و معیارهای انسانی و رعایت حقوق بشر ندارد و زندانیان سیاسی که پس از تحمل سالیان سخت زندان و اسارت آزاد شده و به آغوش خانواده‌شان باز میگردند از کوچکترین تضمین جانی برخوردار نیستند.

نشریه اتحاد کار، ارگان سازمان فدائی، خبر شهادت یکی از اعضای این سازمان، علی اشرف مرادی را اعلام کرد. در این خبر آمده است:

"با کمال تأسف اطلاع یافتیم که یکی از رفقای ما علی اشرف مرادی حدود دو هفته پیش از سوی دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی در سنج اعدام شده

فلسطین اشغالی

یکپارچه در مبارزه



یکشنبه ۲۰ ماه مه، یک اسرائیلی ۲۱ ساله در نزدیکی تل آویو، هشت کارگر عرب را کشت و ده تن دیگر را مجروح کرد که تعدادی از آنها جراحات خطرناکی برداشتند. بدنبال این جنایت، موجی از اعتراض توده‌ای، مناطق عربی تحت اشغال اسرائیل را فراگرفت که طی آن، حداقل ۷ فلسطینی دیگر به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی کشته شدند.

جنایتکار صهیونیست، در جنوب تل آویو گروهی از کارگران روزمزد فلسطینی را متوقف کرد، کارت‌های شناسایی آن‌ها را کنترل نمود و پس از اطمینان از فلسطینی بودن آن‌ها، بسویشان آتش گشود. پلیس اسرائیل می‌گوید قاتل مدعی است به دلیل ناراحتی‌های شخصی دست به این جنایت زده، و مسلسل و لباس نظامی را که هنگام ارتکاب جنایت به تن داشت، از برادرش در دیده است. به گفته مقامات اسرائیلی، قاتل مدت کوتاهی سرباز ارتش بود و پس از آن که با فرمانده واحدش اختلاف پیدا کرد، چند ماه رادر زندان گذراند و سپس از ارتش اخراج شد.

در همان روز یکشنبه، سربازان اسرائیلی طبق گزارشهایی که از بیمارستان‌ها رسید، در نوار اشغالی فزه پنج فلسطینی را در جریان سرکوب اعتراض مردم علیه قتل هشت کارگر عرب، کشتند همین گزارشها حاکی است سربازان، ۳۵۰ تن دیگر از مردم را مجروح کردند. در کرانه غربی رود اردن نیز دو فلسطینی کشته شدند.

در نوار فزه، پس از اعلام خبر جنایت تل آویو اوضاع به حالت انفجاری به خود گرفت. مردم، بدون توجه به مقررات منع عبور و مرور وضع شده از سوی ارتش، در خیابان‌ها به تظاهرات پرداختند.

با کشتار ۲۰ ماه مه، شمار فلسطینی‌هایی که در طول ۲۹ ماه انتفاضه، قیام مردم فلسطین توسط اسرائیلی‌ها کشته شده‌اند، به ۶۵۵ نفر رسید.

در روز دوشنبه ۲۱ ماه مه، تظاهرات مردم خشمگین فلسطینی در مناطق اشغالی ادامه یافت. هم مقامات اسرائیلی و هم رهبران فلسطینی می‌گویند وقایع هفته گذشته احتمالا نقطه عطفی در قیام دو سال و نیمه در مناطق اشغالی است. اکثر مردمی که در تظاهرات هفته گذشته توسط سربازان اسرائیلی کشته شدند، ساکنان نوار فزه بودند. نوار فزه منطقه کوچکی از فلسطین است که بین اسرائیل، دریای مدیترانه و مصر قرار دارد.

جنایات صهیونیست‌ها در هفته گذشته ابعادی به خود گرفت که حتی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا خواستار "خویشتن‌داری" دولت اسرائیل در برخورد به اعتراضات مردم فلسطین شد. گفته می‌شود وقایع اخیر ممکن است به اقدامات مسلمانانه گروه‌هایی از مردم مناطق اشغالی منجر شود.

هشت تن از شخصیت‌های فلسطینی مناطق اشغالی، پس از کشتار کارگران در نزدیکی تل آویو، در بیت المقدس دست به اعتصاب غذا زدند. یکی از آنها گفت: "ما در آستانه اوج گرفتن حدت اوضاع قرار داریم. به گمان من، صبر مردم لبریز شده، نه تنها به خاطر کشتار اخیر، بلکه همچنین از این رو که پس از ۳۰ ماه، مردم هیچگونه حرکتی در جهت یک روند صلح‌آمیز مشاهده نمی‌کنند."

شیوه‌های مقابله مردم فلسطینی با ارتش اشغالگر، کماکان آتش‌زدن لاستیک و پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف است. تا روز سه شنبه ۲۲ ماه مه، شمار قربانیان سرکوب تظاهرات به ۱۰ نفر رسید که یکی از آنها یک زن ۵۶ ساله در نوار فزه بود.

موج اعتراض، مناطق عرب‌نشین داخل خاک اسرائیل را نیز در بر گرفت. شهرداران شهرها و روستاهای عربی اسرائیل در همبستگی با تظاهرات مناطق اشغالی از مردم دعوت کردند دست به اعتصاب بزنند. در شهر ناصریه، جوانان نقابدار در حالی که پرچم فلسطین را به اهتزاز در آورده بودند، به طرف مأموران پلیس بمب‌های آتش‌زا پرتاب کردند. منابع عربی اظهار داشتند در این شهر ده تن از مردم توسط پلیس مجروح و ۶ نفر دستگیر شده‌اند.

از هنگام آغاز دور جدید ناآرامی‌ها در نوار فزه و کرانه غربی رود اردن، ارتش اسرائیل واحدهای جدیدی به این مناطق گسیل داشته است. مقررات ۲۴ ساعته منع عبور و مرور، ۱/۱ میلیون نفر از ۱/۷ میلیون ساکنان مناطق اشغالی را شامل گردید. یک مقام نظامی اسرائیلی گفت ارتش می‌خواهد از این پس به محض درگرفتن ناآرامی، حکومت نظامی ۲۴ ساعته برقرار کند و نیروی کافی برای کنترل آن اعزام دارد. وی این تصمیم را "درس گرفتن از گذشته" نامید.

رهبری متحد قیام که در داخل مناطق اشغالی بطور پنهانی فعالیت می‌کند، با انتشار اعلامیه‌ای خواهان اعتصاب عمومی سه روزه در این مناطق از دوشنبه ۲۱ ماه مه شد. این فراخوان همچنین شامل دعوت به گارزار عدم اطاعت عمومی است. کارزار مزبور در برگزیده تحریم یک هفته‌ای علیه مشاغل موقت در اسرائیل، معازنه‌ها و محصولات اسرائیلی، تماس با مقامات اسرائیلی در مناطق اشغالی و دادگاههای اسرائیلی است.

برخی از رهبران فلسطینی معتقدند شکست تلاشهای اخیر آمریکا برای ترتیب دادن مذاکرات اسرائیلی - فلسطینی، و نیز اقدامات اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل برای نشان دادن کابینه دست راستی به جای ائتلاف سابق با حزب کارگر، زمینه را برای گسترش اعتراضات فراهم کرد.

این بار مبارزات مردم فلسطین در اردن نیز بازتاب یافت. نیروهای رژیم ملک حسین در سرکوب تظاهرات مردم در همبستگی با مبارزات مناطق اشغالی، دو نفر را به قتل رساندند. همچنین در یک واکنش افراطی نسبت به کشتار کارگران عرب در اسرائیل، یک فلسطینی ۲۸ ساله در همان پایتخت اردن به روی سرنشینان یک اتوبوس حامل جهانگردان فرانسوی آتش گشود و ۱۰ تن را مجروح کرد. شامگاه دوشنبه صدها تن از مردم خشمگین به یک هتل آمریکایی در پایتخت اردن حمله کردند. نمایندگان کشورهای عربی در سازمان ملل خواهان تشکیل فوری اجلاس شورای امنیت برای بررسی اوضاع در مناطق اشغالی شدند. یک سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین گفت در سازمان ملل، امکان تشکیل جلسه شورای امنیت در ژنو تحت بررسی است تا یاسر عرفات رهبر ساف بتواند در آن شرکت جوید. در سال ۱۹۸۸، دولت آمریکا از دادن ویزا به عرفات خودداری کرد و در نتیجه برای آنکه عرفات بتواند در نشست سازمان ملل شرکت کند، این نشست به ژنو منتقل شد.

رهبران جمهوری‌های ...

بازگشت به موقعیت لیتوانی به عنوان یک جمهوری شوروی گردیده است.

لتونی و استونی، دو جمهوری دیگر بالتیک نیز بیانیه‌های استقلال مشابهی از تصویب پارلمان‌های خود گذرانده‌اند. میخائیل گارباچف یک قانون مصوب ۱۶ ماه مه در پارلمان استونی را که به کمک آن قرار است امر استقلال این جمهوری به پیش‌برده شود، بی‌اعتبار اعلام کرد و گفت هر اقدام مبتنی بر این قانون، مغایر با قوانین اتحاد شوروی است. رئیس جمهور شوروی همچنین بیانیه‌های استقلال استونی و لتونی جمهوری همسایه آن را با انتشار فرمانی ملکی اعلام کرده است.

در روز ۲۲ ماه مه، روسای جمهور لتونی و استونی با گارباچف دیدار کردند. این دیدار بسیار کوتاه بود و بدون هیچگونه توافق خاتمه یافت. نمایندگان جمهوری‌های بالتیک در این دیدار، پس از ملاقات مزبور اظهار داشتند قضای حاکم بر گفتگو، متشنج بوده است.

امروزه در میان اندیش‌مندان و فعالین جنبش چپ بطور جدی این سوال مطرح است که اروپای شرقی به کدام سو می‌رود، سرمایه‌داری یا سوسیالیسم؟ پاسخ بدین پرسش کار آسانی نیست چرا که از یک سو حد و مرزهای بعضاً تصنعی دیروز بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم خودریخته و از سوی دیگر، اساساً پیش‌گویی روندهای آتی در این کشورها که از نبود سنتهای دموکراتیک رنج می‌برند کاری بس دشوار است.

آنچه در زیر می‌خوانید مصاحبه‌ای است با لیلیا سوتسوا Lilia Sievtysova، انستیتوی سیستم جهانی اقتصاد سوسیالیستی.

* آیا سوسیالیسم واقعا به ورشکستگی رسیده است؟

- در برخورد با سوسیالیسم اغلب نگرشی مجرد غالب است و آن کوششی است برای تصویر یک سیمای جدید که باید مورد پذیرش همه واقع شود و این خود راهی است نگویند که پیش از این نیز هم ما و هم محققین غربی را به تقابل با واقعیت کشانید.

در عوض نگاهی به اروپای شرقی بیاندازید نیروهای سیاسی جدیدی پا به هرصه می‌گذارند. نقش احزاب کمونیست دستخوش تغییر می‌گردد و دیگر آنها به موجب قانون اساسی، رهبری دولت را در دست ندارند، حتی نام حکومت‌ها هم نیز تغییر می‌کند. در قانون اساسی مجارستان حتی بر ترکیب دموکراسی بورژوازی با برتری‌های سوسیالیسم دموکراتیک تاکید می‌شود.

امروزه دیگر به سختی بتوان نام سوسیالیستی بر کشورهای اروپای شرقی گذاشت بخصوص با توجه به تعریف‌های موجود در درسام‌ها که سوسیالیسم را با غالب بودن شکل مالکیت اجتماعی، نقش رهبری حزب

بقیه از صفحه آخر

اپوزیسیون رومانی در مورد انتخابات پیش از اعلام آزاد بودن رای‌گیری توسط دولت ایالات متحده شد. وی تاکید کرد: "از نظر ما، این یک انتخابات سالم بود. ما نتوانستیم در جایی هنگام مشاهدات خود، تقلب آشکار و سازمان یافته در روند انتخابات کشف کنیم." رئیس هیات آمریکایی، از دولت رومانی خواست یک هیات مستقل را مأمور رسیدگی به شکایات کند.

سایر اعضای هیات ۵۰۰ نفر ناظران خارجی نیز خاطر نشان کردند تخلفات موجود در حدی نبوده است که بتواند نتایج انتخابات را تغییر دهد.

ایلیسکو رئیس جمهور فعلی و آتی رومانی، میزان شرکت مردم در انتخابات را گواهی بر بلوغ سیاسی مردم رومانی دانست. بیش از ۹۰ درصد از ۱۶/۸ میلیون نفر واجدین شرایط، رای‌گیری شرکت کردند. با اینکه حوزه‌های رای‌گیری از صبح زود تا نیمه شب باز بود، در بسیاری از مناطق، صف‌های طولانی از مردم تشکیل شده بود که برای رای دادن منتظر بودند.

در بخارست ۳۸۷ تن از ۱۴۰۰۰۰ نفر نمایندگان مجلس و ۱۱۹ عضو سنا انتخاب شدند. پایتخت رومانی شاهد برگزاری آرام رای‌گیری بود. این امر به

کمونیست، هژمونی مارکسیسم - لنینیسم و تقدم تامین اجتماعی تصویر می‌کند.

شرایط نوین و پدیده‌های تازه وارد شد. یعنی نیروهای بازار، آزادی شرکت‌ها، پولوالیسم سیاسی - چند حزبی بودن و تضمین‌های حقوقی دولت در این زمینه‌ها سوال جدیدی را پیش روی انسان قرار می‌دهد: فرق بین این جوامع و سوئد سوسیال دموکرات چیست؟ در مورد امکانات بازار و حتی جلوه‌های گوناگون از تامین اجتماعی، سوئد بسیاری از دیگر کشورهای سرمایه‌داری خیلی بیشتر از شوروی "سوسیالیستی" هستند.

به اعتقاد من آنچه که در اروپای شرقی میگذرد، شکست سوسیالیسم نیست. این کشورها

آن پوسته‌ی قدیمی "سوسیالیستی" که چندین دهه غالب بود را به همراه مدل جامعه‌ی توتالیتراستالینی در هم شکستند. این به هیچ وجه به معنی فروپاشی سوسیالیسم به مثابه یک سیستم ارزش‌ها نیست.

* آیا کشورهای اروپای شرقی در راه بازگشت به سرمایه‌داری هستند یا اینکه تکامل و تحول سوسیالیسم را طی می‌کنند؟

- با سیاه و سفید کردن قضایا نمی‌توان این تحولات را توضیح داد. علی‌رغم همه پیچیده‌گی‌ها و تضادهای درونی موجود در روند تحولات اروپای شرقی، به اعتقاد من همه این تحولات مویذ تغییر شکل یافتن حد و مرزهای دیروزین بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری و کوششی است برای ایجاد جامعه‌ای ملهم از هردو سیستم - و مقدم بر همه تلفیق اقتصاد بازار و تامین اجتماعی.

بسیاری از متفکرین و محققین اروپای شرقی نمایندگان چنین دیدگاهی هستند. پرونسور لهستانی ویتولد لچوفسکی معتقد به ایجاد یک سیستم اجتماعی جدید در لهستان است.

بزرگدان:

سوسیالیسم یا سرمایه‌داری

دولتی مردمی که از یک سوا اجازه رشد سرمایه‌داری می‌دهد و از سوی دیگر نگاهبان منافع مردم باشد.

در آلمان شرقی ۲۰ درصد مردم موافق بازگشت به سرمایه‌داری، ۴۰ درصد موافق یک جامعه‌ی سوسیالیستی بازسازی شده و بهتر و ۳۰ درصد خواهان تلفیق اجزایی از هر دو سیستم بودند. در چکسلواکی ۵۲ درصد از افراد مورد سوال واقع شده، خواهان گذر از راهی میانی بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری بودند.

توفیق یا عدم توفیق در ساختمان چنین جامعه‌ای را آینده نشان خواهد داد هر چند که هم امروز نیز توفیق در برپایی یک جامعه‌ی واقعا دموکراتیک دست آورد بزرگی است.

* مطلوب‌ها و شوروی مدعی‌اند که روند حرکت در جوامع سوسیالیستی متمایز از روند حرکت در جوامع سرمایه‌داری است.

- چنین حد و مرز کشیدن‌هایی به اعتقاد من بر خلاف گرایش‌های عینی موجود است. مقداری پولوالیسم سوسیالیستی همان قدر من درآوردی است که تکنولوژی کامپیوتر

سوسیالیستی یا جبر سوسیالیستی. درست است که پولوالیسم در شوروی مختصات خود را دارد اما این نتیجه‌ی فقر فرهنگ سیاسی است و نبود سنت‌های رسیدن به توافق مشترک. همان طور که گفته شد پولوالیسم سوسیالیستی ویژه‌گی‌های خاص خود را دارد اما این به معنای بهترین بودن آن نیست. وانگهی چرا باید ماهیت آرا سوسیالیستی نامید؟ باید به جای تاکید بر سوسیالیستی بودن و مزیت قابل شدن برای ویژه‌گی‌های آن، خود مفهوم پولوالیسم را همده کرد و در جهت بسط و گسترش آن کوشش نمود.

بزرگدان:

پیروزی چشمگیر جبهه نجات ملی در انتخابات رومانی

محسوب می‌شود. مردم در این میتینگ فریاد می‌زدند: "ما متحدیم و مزدور هم نیستیم." اشاره آنها، به حزب ملی دهکاتان بود که به شرکت کنندگان در گردهمایی‌های خود پاداش‌هایی می‌داد. رهبر این حزب اپوزیسیون، در مناظره تلویزیونی به این اقتضای می‌کرد که مارگارت تاچر از دوستان نزدیک او است.

مفسران درباره نتایج انتخابات. رومانی نوشتند رای مردم به ادامه حکومت جبهه نجات ملی که با سرنگونی چائوشسکو در پنج ماه پیش قدرت را به دست گرفت، قبل از هر چیز نشانه جانبداری اکثریت مردم از برقراری آرامش و اجرای یک سیاست روشن و حساب شده است.

روزنامه "حقیقت" که پیش از انقلاب دسامبر ۸۹ ارگان حزب کمونیست رومانی بود و اینک مستقل است، در روز انتخابات صفحه اول خود را به نشانه دعوت از مردم به آرامش، سفید گذاشت. در مقابل، مطبوعات مخالف آزادانه به تبلیغات خود ادامه دادند. روزنامه "رومانی آزاد" کاریکاتوری چاپ کرد که یک کنسرو را نشان می‌داد. روی آن کنسرو حروف اول نام جبهه نجات ملی به چشم می‌خورد، اما در ته آن علامت داس و چکش دیده می‌شد.

ویژه از آن رو اهمیت داشت که در هفته‌های پیش از انتخابات، اپوزیسیون در بخارست تظاهرات و تحصن‌های گسترده‌ای علیه دولت موقت ایلیسکو و جبهه نجات ملی رومانی به راه انداخته بود. حتی پس از ممنوع شدن تظاهرات و گردهمایی‌ها در آستانه انتخابات، اعتراضات مخالفان در خیابان‌ها و میدان بخارست ادامه یافت. آنها فریاد می‌زدند "مرگ بر کمونیسم"، اپوزیسیون رومانی می‌گوید جبهه نجات ملی ادامه دهنده راه حزب کمونیست رومانی است.

دو روز پیش از انتخابات، سه نامزد ریاست جمهوری در یک مناظره تلویزیونی شرکت کردند. دو کاندیدای اپوزیسیون در این بحث، جبهه نجات ملی را متهم به سازمان دادن حملات علیه میتینگ‌های انتخاباتی مخالفان کردند. ایلیسکو نیز به نوبه خود احزاب مخالف را مسئول حمله به گردهمایی‌های جبهه نجات ملی در تمشوار واقع در غرب رومانی دانست.

شامگاه پنج‌شنبه ۱۷ ماه مه، بخارست شاهد آخرین گردهمایی طرنداران جبهه نجات ملی پیش از انتخابات بود که در آن ده‌ها هزار تن شرکت کردند. آنها گل‌های سرخ در دست داشتند که علامت جبهه نجات ملی رومانی

يمن شمالی و جنوبی متحد شدند

داشت. در شمال يمن، يك دولت متمایل به قرب با سمتگیری سرمایه‌داری حکومت می‌کرد و در جنوب قدرت در دست "حزب سوسیالیست" بود که خود را يك حزب مارکسیست - لنینیست می‌دانست. رهبر این حزب قرار است به معاونت رئیس جمهور يمن متحد برگزیده شود. حیدر ابوبکر عطاس رئیس جمهور يمن جنوبی کاندیدی پست نخست‌وزیری است.

قانون اساسی يمن متحد، تشکیل يك شورای پنج نفره ریاست جمهوری را برای يك دوره ۳۰ ماهه گذار پیش‌بینی می‌کند. قرار است دو پارلمان يمن اقدام شوند و ۳۱ نماینده از احزاب اپوزیسیون به وکلای آنها افزوده گردد.

رهبران جمهوری‌های کرانه بالتیک با چف دیدار کردند

در روز ۱۶ ماه مه، پارلمان لیتوانی اعلام کرد در صورت موافقت مسکو با مذاکرات، حاضر است قوانین تصویب شده پس از اعلام استقلال را به حالت معوق درآورد. نخست وزیر لیتوانی مصوبه جدید پارلمان را به گارباچف تسلیم کرد. با این حال رئیس جمهور و نخست‌وزیر شوروی پس از ملاقات با خانم پرونسکین گفتند پیشنهاد جدید پارلمان لیتوانی پاسخگوی خواست دولت شوروی مبنی بر لغو یا حداقل به تعویق درآوردن بیانیه استقلال لیتوانی نیست.

بدنبال دیدار مسکو، پارلمان لیتوانی تصمیم گرفت در مورد پیشنهاد جدیدی به دولت مرکزی شوروی به بحث بپردازد. در جلسه پارلمان، نخست‌وزیر لیتوانی که گزارش سفر خود به مسکو را ارائه کرد، خواهان انعطاف‌پذیری نمایندگان پارلمان لیتوانی شد.

به عقیده ناظران، احتمال "منجمد کردن" بیانیه استقلال از سوی پارلمان لیتوانی وجود دارد. این اقدام به معنای تعویق اجرای این بیانیه است. در همین حال نخست‌وزیر لیتوانی خواهان دادن تضمین‌هایی از سوی مسکو و جامعه بین‌المللی برای چنین اقدامی شده و خواهان منتفی کردن احتمال

بقیه در صفحه ۷

سه شنبه هفته گذشته، يمن شمالی و جنوبی متحد شدند. پرچم يمن متحد، برای نخستین بار در عدن که تا کنون پایتخت يمن جنوبی بوده است، برافراشته شد. رئیس جمهور کشور جدید، هلی عبدالله صالح (رئیس جمهور يمن شمالی تا هنگام تشکیل دولت جدید) است. پایتخت يمن متحد، شهر صنعاست که تا پیش از اتحاد، پایتخت يمن شمالی بود.

در روز دوشنبه، پارلمانهای دو يمن به وحدت دو کشور رای موافق دادند و مقرر داشتند ظهر روز سه شنبه، تشکیل دولت جدید رسماً اعلام شود. يمن متحد ۱۳ میلیون نفر جمعیت دارد و بدین ترتیب از نظر انسانی بزرگترین کشور شبه جزیره عرب است. يمن شمالی ۱۰ میلیون تن و يمن جنوبی ۳ میلیون نفر جمعیت

ناآرامی‌های خونین در کشمیر

می‌شد. وی هیچگاه خواستار الحاق کشمیر به پاکستان نشده بود و تنها از میان برداشتن "دیوار کشمیر" بین کشمیر هند و کشمیر پاکستان را طلب می‌کرد. از این رو، این رهبر مذهبی اخیراً از سوی افراطیون مسلمان تحریم شده بود.

ناآرامی‌های کشمیر به قتل ۳۵۰ نفر در سال جاری میلادی انجامیده است.

دولت هند بطور غیر مستقیم پاکستان را مسئول قتل مولوی محمد فاروق دانست. يك سخنگوی دولت مرکزی هند گفت وقتی با حمایت خارجی تروریسم در کشمیر تقویت می‌شود، باید انتظار چنین حوادثی را نیز داشت. در همین حال برخی نزدیکان رهبر مقتول مذهبی می‌گویند افراطیون هندو فاروق را کشته‌اند.

در هفته گذشته ناآرامی‌های ایالت کشمیر هند که از پنج ماه پیش آغاز شده است، به اوج خود رسید. محمد فاروق پرنفوذترین رهبر مذهبی مسلمانان کشمیر در روز دوشنبه ۲۱ ماه مه در شهر سری‌نگار کشمیر توسط سه مرد مسلح ناشناس کشته شد. بدنبال این قتل، تظاهرات گسترده‌ای از سوی مسلمانان برپا شد. پلیس هند به سوی شرکت‌کنندگان در این تظاهرات آتش گشود و حداقل ۴۰ نفر را به قتل رساند و در حدود ۳۵۰ نفر را مجروح کرد.

خلع سلاح کنتررا

دشواری دولت چامورو

معروف‌ترین فرمانده نظامی نیروهای کنتررا (ضد انقلاب) در نیکاراگوئه موسوم به "فرمانده فرانکلین" که نام واقعی او اسرائیل گالیانو است، اعلام کرد نیروهای تحت فرمانش تحویل سلاحهای خود را متوقف کرده و توافق حاصله با دولت چامورو در این زمینه را به حالت تعویق درآورده‌اند. در بیانیه گالیانو آمده است دولت خانم چامورو به وعده‌های خود عمل نکرده است.

بیانیه گالیانو تاکید می‌کند شورشیان وقتی به خلع سلاح خود ادامه خواهند داد که مطمئن شوند رئیس جمهور جدید نیکاراگوئه می‌تواند "امنیت جانی و اقتصادی" آنرا داخل سلاح شده کنتررا تامین کند.

با این حال نمایندگان دولت چامورو اظهار داشتند روند خلع سلاح و انحلال گروه‌های کنتررا متوقف نشده است. توافق کنتررا و دولت چامورو پیش‌بینی می‌کند که تا دهم ژوئن همه افراد ضد انقلاب خلع سلاح شوند. تا تاریخ ۱۷ ماه مه، تنها ۱۰۳۴ نفر از ۱۷ هزار تن نیروی شورشیان، سلاحهای خود را به نمایندگان سازمان ملل متحد تحویل داده بودند.

اخبار کوتاه جهان

* در حالیکه دو هفته پیشتر به انتخابات بلغارستان باقی نمانده است، یک ائتلاف از ۱۶ حزب اپوزیسیون در این کشور خواهان به عقب افتادن موعد انتخابات شد. یک سخنگوی این ائتلاف گفت باید نخست از طریق انتخابات محلی ساختارهای نظام پیشین از میان برداشته شود. علاوه بر ائتلاف مزبور، حزب سوسیالیست (حزب کمونیست سابق) و "اتحادیه نیروهای دمکراتیک" در کارزار انتخاباتی شرکت دارند. اتحادیه اخیر، در برگزیده نیروهای اصلی اپوزیسیون است.

* اجساد سه تن از رهبران و مسئولان حزب کمونیست شیلی که در فاصله ژوئیه تا اوت ۱۹۷۶ توسط پلیس مخفی رژیم پیئوشه ربوده شده بودند، در محوطه یک پادگان در شمال سانتیاگو یافته شد. به گفته سخنگویان سازمان بستان "ناپدید شدگان" شیلی، مسکو نیز آشکار شد.

پیروزی چشمگیر جبهه نجات ملی در انتخابات رومانی

در انتخابات است. پس از شمارش ۲ میلیون برگ رأی، ایلیسکو با کسب ۸۹ درصد آرا در صدر کاندیداها قرار داشت. رادوکامپیانو، نامزد حزب لیبرال ملی ۸ درصد و یون راتیو از حزب ملی دهقانان ۳ درصد آرا را کسب کرده بود. یک موسسه نظرسنجی آلمانی پیش‌بینی کرد ایلیسکو ۸۳ درصد، کامپیانو ۱۱ درصد و راتیو ۶ درصد آرا را به خود اختصاص خواهند داد.

دو نامزد بازنده در انتخابات، رای‌گیری را مخدوش خواندند. با این حال فرماندار ایالت نیومکزیکوی آمریکا در سمت خود بعنوان رئیس هیات ناظران آمریکایی طی یک کنفرانس مطبوعاتی در سفارت آمریکا در بخارست گفت انتخابات اخیر "کام بسیار بزرگی به سوی دمکراسی" بوده است. با این حال این سیاستمدار آمریکایی خواهان رسیدگی به شکایات

بقیه در صفحه ۷

یون ایلیسکو، نامزد جبهه رهایی بخش ملی رومانی برای احراز مقام ریاست جمهوری این کشور، توانست در انتخابات ۲۰ ماه مه بیش از ۸۰ درصد آرا به خود اختصاص دهد. همزمان با انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات دو مجلس پارلمان رومانی نیز برگزار شد و در آن، جبهه رهایی بخش ملی بیش از ۶۰ درصد آرا را به دست آورد. مدت اعتبار این دوره از مجلس نمایندگان و سنای رومانی حداکثر ۱۸ ماه خواهد بود و ظرف این مدت، پارلمان باید قانون اساسی جدید رومانی را تصویب کند.

ناظران خارجی انتخابات رومانی، از جمله یک گروه از سیاستمداران آمریکایی، در روز دوشنبه پس از انتخابات اعلام کردند رای‌گیری بطور کلی در شرایط سالمی برگزار شد و تنها بطور پراکنده تخلفاتی مشاهده گردید. اظهار نظر هیات‌های خارجی به معنای رد ادعای اپوزیسیون رومانی مبنی بر تقلب



صف تعدادی از شعروندان بخارست برای شرکت در رای‌گیری ۲۰ ماه مه

آمریکا و شوروی در مورد سلاح‌های استراتژیک به توافق رسیدند

در باره موشکهای بالدار، یکی از موانع اصلی توافق در مورد سلاح‌های استراتژیک بود. آمریکا و شوروی به توافق کرده‌اند که تولید سلاحهای شیمیایی را فوراً متوقف و ۸۰ درصد زرادخانه شیمیایی خود را نابود کنند. این توافق پیش‌بینی می‌کند که مابقی سلاحهای شیمیایی در سالهای آینده نابود شود و موجودی این تسلیحات به دو درصد سطح موجود برسد. در صورت پیوستن همه کشورهای دیگر دارای سلاحهای شیمیایی به یک توافق جهانی، مسکو و واشنگتن موافق با نابودی همه این سلاح‌ها هستند.

قرارداد کاهش سلاحهای استراتژیک به کاستن ۳۰ الی ۳۵ درصد از زرادخانه این سلاحها خواهد انجامید. تلاش برای رسیدن به توافق پیرامون شمار نفرت نظامی و تانک‌های مستقر در اروپا، بی‌نتیجه ماند. به گفته مقامات آمریکایی، اتحاد شوروی خواهان محدود شدن قدرت نظامی آلمان واحد و ثبت یک سقف حداکثر برای ارتش آلمان در قراردادی است که در مورد وحدت آلمان میان شرکت‌کنندگان در مذاکرات "دو بعلاوه چهار" (دو آلمان و چهار کشور پیروز در جنگ جهانی دوم) به امضاء خواهد رسید.

آمریکا، فرانسه و انگلیس مخالف این خواست اتحاد شوروی اند. همچنین کماکان در مورد هویت آلمان واحد در ناتو و یا بیطرف بودن آن میان ناتو و اتحاد شوروی اختلاف وجود دارد این اختلاف در جریان سفر بیکر به مسکو نیز آشکار شد.

طی دیدار جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا از مسکو، دو کشور در مورد سلاحهای استراتژیک به توافق رسیدند. پس از مذاکرات چهار روزه بیکر با شوارندازه همتای شوروی اش اعلام شد رؤس توافق درباره قرارداد کاهش شمار کلاهک‌های استراتژیک هسته‌ای موسوم به استارت، تعیین شده است. همچنین دو طرف در مورد قطع تولید سلاحهای شیمیایی و کاهش سریع ذخایر آن و نیز محدود کردن آزمایش‌های اتمی توافق کردند. پیرامون تسلیحات به گفته شوارندازه وزیر خارجه شوروی، چرخ بوش و میخائیل گارباچف روسای جمهور دو کشور خواهند توانست در ملاقات آتی خود که از ۳۰ ماه مه تا سوم ژوئن در واشنگتن صورت می‌گیرد، توافق پیرامون سلاحهای دوربرد (استراتژیک) را رسماً اعلام کنند. شوارندازه افزود قرار داد مربوط به این سلاحها می‌تواند تا پایان سال جاری میلادی به امضاء برسد.

سلاحهای استراتژیک به آندسته از تسلیحات اتمی اطلاق می‌شود که هر یک از دو قدرت جهانی می‌تواند با آنها قلمرو طرف مقابل را هدف قرار دهد. در آخرین دور مذاکرات پیرامون این سلاحها، موضوع موشک‌های بالدار (کروز) و سلاح‌هایی که قابل شلیک از جنگنده - بمب افکن هاست و بردی بیش از ۶۰۰ کیلومتر دارد، مورد بحث قرار گرفت و به گفته بیکر، فرمول پیچیده‌ای یافته شده که "نیازهای هر دو طرف را در نظر می‌گیرد". اختلافات طرفین

يك ماه پس از آغاز تحریم اقتصادی دولت مرکزی شوروی علیه جمهوری لیتوانی که استقلال خود را از دولت اتحاد شوروی اعلام کرده است، خانم کازیمیرا پرونسکین نخست‌وزیر این جمهوری در شامگاه ۱۷ ماه مه با میخائیل گارباچف در مسکو دیدار و گفتگو کرد. پس از این گفتگو اعلام شد از حدت اختلافات کاسته شده، اما بحران حل نشده است. گارباچف در روز ۱۸ ماه مه طی دیداری با جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا گفت اگر لیتوانی بایس گرفتن بیانیه استقلال خود، به چارچوب قانون اساسی شوروی باز گردد، مسکو حاضر به مذاکره در مورد همه مسائل مورد اختلاف است. ملاقات نخست‌وزیر لیتوانی با رئیس جمهور شوروی نخستین دیدار گارباچف با یک مقام لیتوانی از ۱۱ مارس تا کنون بود. در آن تاریخ لیتوانی استقلال خود را اعلام کرد.

نخست‌وزیر لیتوانی ملاقات ۱۷ ماه مه را که در آن ریشکوف نخست‌وزیر دولت مرکزی شوروی نیز شرکت داشت، موفقیت‌آمیز خواند. خانم پرونسکین پس از این دیدار یک ساعت و نیمه اظهار داشت در این ملاقات پیشرفت‌های بزرگی حاصل شده است. وی افزود گفتگو نخست آغاز دشواری داشت اما در ادامه آن، فضای بهتری ایجاد شد. البته توافق کامل حاصل نگردید.

یورش پلیس به تظاهرات دانشجویی در کره جنوبی



در روز یکشنبه ۲۰ ماه مه هزاران دانشجوی کره جنوبی در زد و کوب‌های شدیدی با پلیس درگیر شدند. پلیس با گاز اشک‌آور به گردهمایی ۵ هزار دانشجو در دانشگاه این شهر حمله کرد. در این درگیری‌ها حداقل ۴۰ نفر از دانشجویان مجروح شدند. در روز شنبه ۱۹ ماه مه نیز در حدود ۲۵ هزار دانش‌آموز و دانشجو به مناسبت دهمین سالگرد سرکوب خونین تظاهرات کوانگ‌جو دست به تظاهرات زدند. در سال ۱۹۸۰، نیروهای پلیس و ارتش کره جنوبی در شهر کوانگ‌جو صدها تن از مردم شرکت‌کننده در جنبش دمکراسی را قتل‌عام کردند.

هلائم انکارناپذیری هویت سه جسد را روشن کرده است. قربانیان هبارتند از ویسنه آتسنیو عضو سابق پارلمان و خوزه فلورس و ادواردو کانترو که از اعضای رهبری حزب کمونیست شیلی بودند.

* پلیس آفریقای جنوبی با گشودن آتش به روی مردم سیاهپوست شهر ولکوم در ۳۰۰ کیلومتری جنوب ژوهانسبورگ ۷ تن را به قتل رساند. تظاهرات مردم، در اعتراض به جنایات دستجات فاشیستی سفیدپوستان برپا شده بود.

توضیح در اکثریت شماره ۳۰۵، شماره حساب بانکی نشریه با یک عدد اضافی چاپ شده بود. شماره صحیح آن بدینگونه است:	
حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtparkasse Köln W. GERMANY	حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtparkasse Köln W. GERMANY
اکثريت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور	
Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY	Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY